

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۰۱

جمعه ۱۲ بهمن ۱۳۹۷، ۱ فوریه ۲۰۱۹

آزادی کارگران زندانی با تعرض به کل ماشین سرکوب حکومت ممکن است حمید تقوایی

دستگیری جعفر عظیم زاده و پروین محمدی، دبیر و عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران و دو چهره سرشناس جنبش کارگری، تعرض تازه رژیم به جنبش کارگری است. تعرضی که از سر ضعف و درماندگی صورت میگیرد.

بجالش کشیده شدن دستگاه شکنجه و سرکوب حکومت بوسیله اسماعیل بخشی و سپیده قلیان که به یک موج اعتراضی وسیع دامن زد، و بدنبال آن "مستند سازی" زبونانه حکومت که با شعار "توپ، تانک، مستند دیگر اثر ندارد" از جانب بازنشستگان و معلمان پاسخ گرفت، جنبش کارگری را در راس جنبش اعتراضی علیه سرکوب و شکنجه و رو در روی رژیم قرار داده است. دستگیریهای اخیر نوعی دفاع از خود رژیم و تقلا زبونانه ای است که از پیش جامعه اعلام کرده است "دیگر اثر ندارد".

بازداشت و زندان و شکنجه و پرونده سازیهای امنیتی علیه کارگران و معلمان و دانشجویان و فعالین جنبشهای حق طلبانه شیوه همیشگی جمهوری اسلامی بوده است. بعد از خیزش دیمه همانطور که انتظار میرفت سرکوبگری حکومت نیز شدت گرفت (عفو بین الملل آمار بازداشت شدگان در سال گذشته را بیش از ۷ هزار نفر اعلام کرده است). این بخشی از تلاش حکومت برای مهار کردن طوفانی است که از دیمه آغاز شده و دستگیریهای جاری که از فعالین جنبش کارگری فراتر میرود نیز جزئی از همین تلاش است. اما شرایط امروز با حتی ۶ ماه قبل کاملاً متفاوت است. کیفر خواست بخشی و سپیده قلیان علیه شکنجه و بمصاف طلبیدن دزخیمان حاکم با دعوت آنان به مناظره تلویزیونی و خواست علنی کردن دادگاه ها جنبش گسترده ای را کلید زد که صحنه نبرد را به نفع کارگران و توده مردم تغییر داده است.

صفحه ۲

اطلاعیه ها

صفحات ۱۳ تا ۱۹

دستگیری جعفر عظیم زاده و پروین محمدی را محکوم میکنیم! (حزب کمونیست کارگری ایران)

صفحه ۳



کنفرانس لهستان، اهداف واقعی و امیدهای واهی

علی جوادی

صفحه ۳

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۵

گفتگو با محمد آسنگران در باره

"بیانیه کنفرانس نیروهای چپ و کمونیست در کردستان"

صفحه ۷

چشم انداز پیروزی کمونیسم در ایران

اصغر کریمی

صفحه ۸

مختصری در باره ده ها نفر از کسانیکه زیر شکنجه کشته شده اند

اسامی ۳۵۲ نفر از کشته شدگان زیر شکنجه تا کنون تهیه شده است

تهیه و تنظیم: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی سیاسی

صفحه ۱۱

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری پیرامون بحران در ونزوئلا

صفحه ۱۵

بیدادگاه های جمهوری اسلامی را علنی کنیم

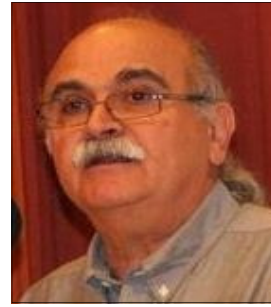
جمهوری اسلامی نه شهامت مناظره با شکنجه شدگان و زندانیان سیاسی را دارد و نه جرات علنی کردن بیدادگاه هایش را. چون هر مناظره و هر دادگاهی به صحنه محاکمه خود رژیم بدل خواهد شد. اما کارزار علنی کردن بیدادگاه های حکومت شروع شده است. اسماعیل بخشی وزیر اطلاعات را به مناظره طلبید و سپیده قلیان خواهان دادگاه علنی شد و بدنبال آن طیفی از زندانیان سابق و بازداشت شدگان روزهای اخیر شروع به بازگویی صحنه های دادگاه کرده و علیه شکنجه هایی که توسط جلادان حکومت متحمل شده اند، دست به افشاگری زده اند و مقامات حکومت را به پریشان گویی انداخته اند. وکلای پیشرو و معترض نیز با افشاگری ها و طومارهای اعتراضی خود نقش مهمی در این مبارزه ایفا کرده اند.

صفحه ۲

از صفحه ۱

آزادی کارگران زندانی با تعرض به کل ماشین سرکوب حکومت ممکن است

حمید تقوایی



کار میکند، و دقیقاً چون از نظر اقتصادی اجتماعی فرهنگی و حتی سیاستهای منطقه ای جمهوری اسلامی به بن بست و آخر خط رسیده، نقشی برجسته تر و تعیین کننده تر از هر زمان دیگر یافته است. این آخرین تیر ترکش و آخرین سنگر یک نظام از کار افتاده است و جنبش علیه زندان و شکنجه دقیقاً همین آخرین سنگر را نشانه گرفته است.

نقطه قوت جنبش جاری علیه سرکوبگری حکومت اینست که مهر طبقه کارگر و کمونیستها را بر خود دارد. این حرکتی رادیکال و ریشه ای علیه ماشین سرکوب حکومت مفتخوران سرمایه دار و بساط دزد سالاری اسلامی است. این جنبشی علیه بازداشت و شکنجه و پرونده سازیهای امنیتی برای معترضین به نپرداختن دستمزدها و فساد و چپاول حاکم به کارخانه ها و مراکز تولیدی و حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی است. همانطور که خیزش دیماه

قربانیان شکنجه و محکومین در بیدادگاههای حکومتی دیگر قربانیان خاموش دستگاه سرکوب اسلامی نیستند. افشاگری و دادخواهی میکنند و سیستم قضائی جمهوری اسلامی را بچالش میکشند. وکلا، نویسندگان، چهره ها و فعالین جنبشهای اجتماعی علیه شکنجه و اعترا فگیری اجباری و بیدادگاههای حکومتی بیانیه میدهند و طومار امضا میکنند و در برابر حکومت شکنجه و اعدام قد علم میکنند.

جمهوری اسلامی از روز اول بقدرت رسیدش با اتکا به زندان و شکنجه و اعدام و سرکوب معترضین و مخالفان خود توانسته است به بقای خود ادامه بدهد. امروز بیش از هر زمان دیگر، رژیم به ماشین سرکوب متکی است. میتوان گفت این تنها بخشی از حکومت است که در دل بحران همه جانبه ای که گریبان حکومت را گرفته هنوز

اصلاح طلبان و استحاله چپها را به کنار زد، جنبش رادیکال جاری نیز پایان ماجرای شکوائیه های نیم بند علیه "اعدامهای علنی" و "باز نبودن فضای سیاسی" و شکایت از "تندروی و خودسری زندانبانها" را اعلام کرد. این نبردی علیه کل ماشین سرکوب سرمایه دارن مفتخور است که تحت نام "امنیت ملی" از امنیت آیت الله های میلیاردر و سرمایه داران مفتخور اسلام پناه دفاع میکند. این اولین بار نیست که کارگران با چنین پرچمی به میدان می آیند. دو سال قبل در روز جهانی کارگر دو رهبر کارگری، جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی در بیانیه ای از زندان اعلام کردند:

"ما میدانیم و بر این امر اذعان داریم که با فعالیتهایمان امنیت و آسایش کسانی را که بر بستر قانون شکنی و تحمیل فقر و فلاکت بر کارگران و معلمان سالیان سال دست به غارتگری زده اند به خطر انداخته ایم و با اصرار بر تحقق خواستههای بر حق مان تداوم منافع چپاولگرانه ی آنان را به چالش کشیده ایم. اما آنان با نشاندن منافع و امنیت خود به جای امنیت ملی کشور و بر این بستر با هدف واداشتن کارگران و معلمان معترض برای تمکین به وضعیت فلاکتبار

موجود، ما و دیگر فعالین کارگری و معلمان را به بند کشیده اند".

امروز این پیشگامی جنبش کارگری در مقابله با پرونده سازیهای امنیتی و علیه "امنیت چپاولگران" حاکم به حرکت اجتماعی وسیع و رو به گسترشی بدل شده است. حرکتی که دست به ریشه میبرد و کل ماشین سرکوب دولت اسلامی سرمایه را بچالش میکشد و دقیقاً به همین دلیل گسترده تر و توده ای تر میشود.

جنبش جاری نام کمونیسم و حزب کمونیست کارگری را نیز بر سر زبانها انداخته است. برای پیشروان و فعالین و رهبران جنبش کارگری که اکثر آنان خود کمونیست و سوسیالیست هستند، حضور و فعالیت نیروها و احزاب کمونیست در اعتراضات و اعتصابات کارگران امر تازه ای نیست. آنچه تازه است اعتراف حکومت به این امر است. مطرح شدن نام کمونیستها و حزب کمونیست کارگری به عنوان حزب "گسترش اعتراضات" و "کمونیسم نو" از جانب مقامات اعتراف ناخواسته حکومتی ها به نقش و اعتبار کمونیستها در جنبش کارگری و در کل جامعه است. این تحول مقابله کمونیستها با جمهوری اسلامی را به امری علنی و رودررو

تبدیل میکند و در همه عرصه ها بویژه در جنبش علیه ماشین سرکوب حکومت وظایف خطیری را در مقابل ما قرار میدهد. در این نبرد اولین و عاجل ترین امر و هدف ما آزادی بی قید و شرط اسماعیل بخشی و سپیده قلبان و جعفر عظیم زاده و پروین محمدی و اسماعیل عبدی و کلیه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است. اما این امر را باید بر متن یک جنبش گسترده و تعرضی علیه پرونده سازیهای امنیتی، علیه شکنجه و تجاوز در زندانها، علیه اعترافگیری اجباری، علیه روند بازجویی و محاکمات، علیه بیدادگاههای حکومتی، و علیه قصاص و کل سیستم قضائی اسلامی به پیش برد. آزادی عزیزان زندانی نیز بر متن تعرض به کل سیستم و ماشین سرکوب جمهوری اسلامی امکان پذیر است.

جنبشی که با کیفرخواست بخشی آغاز شد میتواند و باید ماشین سرکوب حکومت را تضعیف و فلج کند و به این اعتبار راه گسترش و پیشروی جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی در همه عرصه ها را هموار نماید. ما بعنوان "حزب گسترش اعتراضات" تمام توان و امکانات خود را در این مبارزه به کار خواهیم گرفت. *

بیدادگاه های جمهوری اسلامی را علنی کنیم

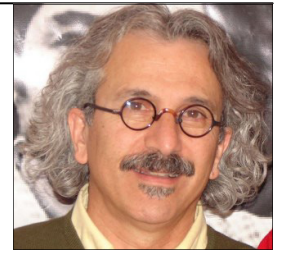
این عرصه مهمی از مبارزه مردم علیه سیستم قضایی، قوانین و روند دادرسی و مجازات ها و رفتار جنایتکارانه قاضیان و شکنجه گران و زندانبانان حکومت، و جنبشی علیه کل تار و پود حکومت اسلامی است. عرصه مهمی از تعرض کارگران و معلمان و زنان و دانشجویان و هنرمندان و نویسندگان و وکلا و فعالین سیاسی و اجتماعی است که بدلیل مبارزه برای خواست های بحق خود دستگیر میشوند و مورد شکنجه و بیحرمتی و تهدید و انواع مجازات های قرون وسطایی قرار میگیرند. حکومت جرات نمیکند حتی پنج دقیقه میکروفون صدا و سیمای منفورش را در اختیار مردم معترض قرار دهد. اما مردم این محدودیت ها را با قدرت خودشان دارند در هم میشکنند و تهدید و زندان و شکنجه و به اصطلاح مستندسازی ها دیگر مانعی در مقابل پیشروی مردم نخواهد بود. مردم معترض در خیلی زمینه ها حکومت را عقب رانده اند و فضا را برای گسترش مبارزه خود آماده تر کرده اند. در این زمینه نیز فی الحال حکومت را به حالت دفاعی انداخته اند. نفس اینکه این روزها سران حکومت ناگزیر شده اند شکنجه را انکار کنند و به "مستند سازیهای" مسخره متوسل بشوند یک عقب نشینی آشکار است. اعلام کیفرخواست علیه سیستم قرون وسطائی بازداشت و بازجویی و شکنجه و اعتراف گیری و بیدادگاههای حکومت از زبان زندانیان گام دیگری در مبارزه علیه ماشین سرکوب حکومت و تحمیل عقب نشینی بیشتر به جانین حاکم است. این مبارزه، حکومتی که با شکنجه و اعدام و زندان نفس میکشد را به سرنگونی نزدیک تر خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری کلیه زندانیان سیاسی، کلیه خانواده های زندانیان و جانباختگان و کلیه فعالین کارگری و معلمان و زنان و دانشجویان را فرامیخواند که صحنه های دستگیری و بازجویی و دادگاه و زندان را به اطلاع افکار عمومی برسانند و بیدادگاه های حکومت را تماماً علنی کنند و در مقابل چشمان جامعه قرار دهند. با گسترش این مبارزه ضربه بزرگی به سیستم قضایی حکومت، که رکن اصلی سر کار ماندن آن است، و بر پیکر فرتوت حکومت شکنجه و قصاص اسلامی وارد خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ بهمن ۱۳۹۷، ۳۰ ژانویه ۲۰۱۹

کنفرانس لهستان، اهداف واقعی و امیدهای واهی



علی جوادی

آمریکا دعوت کننده و میزبان اجلاس جهانی است، که قرار است در روزهای ۲۴ و ۲۵ فوریه در ورشو لهستان برگزار شود. از وزرای خارجه ۷۰ کشور در خاورمیانه و اروپا دعوت شده است که در این کنفرانس شرکت کنند.

دستور بحث این کنفرانس از جانب وزیر خارجه آمریکا مایک پومپئو "ارتقای ثبات و آزادی در خاورمیانه با تاکید بر مقابله با نفوذ منطقه ای ایران" بیان شده است. از طرف دیگر وزارت خارجه لهستان هدف این کنفرانس را "ایجاد بستری برای اقداماتی در راستای برقراری ثبات و رفاه در منطقه خاورمیانه" اعلام کرده است.

واکنش حکومت اسلامی هم قابل پیش بینی بود. بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه برگزاری چنین اجلاسی را "اقدامی نادرست و برخلاف موازین حقوق بین المللی و غیر قابل توجیه" خوانده است. در مقابل وزارت خارجه لهستان نیز اعلام کرده است که "از نظر ما، جامعه بین المللی حق دارد در باره مسائل مختلف منطقه ای و جهانی بحث و رایزنی کند." علاوه بر روسیه و چین، اتحادیه اروپا نیز از غائبین اصلی این اجلاس جهانی است که از بیش از ۷۰ کشور برای شرکت در آن دعوت شده است.

مساله اما نه "حقوق بین الملل" و نه میزان "پای بندی" رژیم اوباش اسلامی به این "حقوق" است. مساله

سیاسی است و در این راستا باید به چند سؤال اساسی پاسخ داد.

اهداف واقعی؟

برخلاف ادعاهای فراخوان دهنده این کنفرانس این اجلاسی برای "ارتقای ثبات و آزادی" در خاورمیانه نیست؟ ثبات و آزادی در خاورمیانه در درجه اول مستلزم سرنگونی رژیم اسلامی و برچیدن زمینه های سیاسی و اجتماعی جنبش کثیف اسلام سیاسی است. برای "ثبات و آزادی" در خاورمیانه باید به سراغ تروریسم اسلامی که رکن استراتژیک اسلام سیاسی است، رفت. تروریسم اسلامی صرفا کار چند گروه مرتجع و آدمکش اسلامی بریده از جامعه نیست که با نابودیشان بتوان بساط تروریسم اسلامی را برچید. برای ریشه کن کردن تروریسم اسلامی باید به سراغ جنبش اسلام سیاسی، دولتهای اسلامی، سازمانهای اسلامی و همچنین دولتهای حامی این جریانات در سطح بین المللی رفت.

سرنگونی رژیم اسلامی، جنبش اسلام سیاسی و جریانات اسلامی را بدون افق و چشم انداز خواهد کرد و نیروی عظیمی را برای برچیدن اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در کل خاورمیانه به حرکت در خواهد آورد. از طرف دیگر باید جلوی حمایت مادی و معنوی دولتهای غربی از جریانات اسلامی رنگارنگ را گرفت. باید مذهب، اسلام، قوم پرستی، راسیسم و نسبیت فرهنگی و هر نظریه و تفکری که فرهنگ و آمل و ارزشهای یکسان و جهانشمول انسانی را به رسمیت نمی شناسد، عمیقا

نقد و افشا کرد. برای پایان دادن به بی ثباتی در خاورمیانه باید به مشقات، محرومیتها، ستم، استثمار و اختناق که انسانها را به استیصال سوق میدهد و برخی را قربانی جریانات تروریستی میکند، پایان داد. باید ریشه ها و منابعی که این تروریسم از آن تغذیه میکنند، خشکاند. برای نابودی تروریسم اسلامی، باید برای ایجاد جوامعی باز، آزاد، برابر، مرفه، و سکولار و سوسیالیستی است که در آن جان و حرمت و آزادی، برابری و آسایش و امنیت انسان اساس ارزشهای جامعه است، مبارزه کرد.

برای ثبات و آزادی در خاورمیانه باید حقوق مردم فلسطین در ایجاد کشور مستقل و متساوی الحقوق فلسطین را به رسمیت شناخت. اسلام سیاسی از ظلم و ستمی که تاریخا بر مردم فلسطین رفته است، تغذیه میکند. این جنبش ارتجاعی علیرغم اینکه کوچکترین ربطی به ستم تاریخی وارده بر مردم فلسطین ندارد اما از نارضایتی و بی حقوقی مردم در فلسطین و خاورمیانه بهره برداری کرده و برای خود سرمایه سیاسی میسازد. برای ثبات و آزادی در خاورمیانه باید دولت اسرائیل و حامیان غربی آن را تحت فشار قرار داد تا صلح و ایجاد دولت مستقل فلسطینی را با تمام حقوق شناخته شده بین المللی برسمیت بشناسد. باید دول غربی را تحت فشار قرار داد تا به حمایت بی قید و شرط خود از سیاستهای تجاوزگرانه دولت اسرائیل خاتمه دهند.

برای ثبات و آزادی در خاورمیانه باید در مقابل لشگر کشی و عملیات نظامی و

پلیسی کردن فضای جامعه و محدود کردن حقوق مدنی آحاد جامعه را گرفت. آنچه که هیات حاکمه آمریکا در فردای فاجعه ۱۱ سپتامبر به آن "جنگ جهانی علیه تروریسم" نام نهاد، در واقع جنگی علیه تروریسم اسلامی و ریشه های آن نبود، برعکس خود یک اقدام تروریستی دیگر بود. اقدامی تروریستی و به همان اندازه دهشتناک که ثمره ای جز خانه خرابی و ناامنی و محرومیت عظیم توده های مردم بدنبال نداشت. بمباران افغانستان و عراق جنگی علیه تروریسم اسلامی نبود. گوشه ای از سیاست ارتجاعی میلیتاریسم آمریکا و ناتو بود. هدف هیات حاکمه آمریکا از این لشگر کشی ها و جنگ ها نه نابودی تروریسم اسلامی و اسلام سیاسی بلکه تحکیم موقعیت و سلطه سیاسی و نظامی خود بر جهان به عنوان تنها ابرقدرت است.

واقعیت چیز دیگری است. هدف از این کنفرانس آنطور که شبکه فاکس نیوز اعلام کرده است "ادامه کارزار فشار حداکثری" بر رژیم اسلامی است. آنها فشار بمنظور محدود کردن موقعیت منطقه ای رژیم اسلامی و نه دست بردن به ریشه مساله و کلیت موجودیت رژیم و جنبش اسلام سیاسی. هدف اعمال فشار برای رسیدن به توافق است. همان سیاستی که در کره شمالی دنبال می کنند. هدف اعمال فشار برای رسیدن به توافقی ارتجاعی و بند و بست به رهبری ترامپ است. به این مجموعه باید در عین حال مساله رقابت و کشمکش آمریکا و متحدین اش با اروپای واحد بر سر مسائل خاورمیانه را نیز اضافه کرد.

سرابهای ایزیسون

راست

در این میان لهله زدن و دخیل بستن جریانات متنوع ارتجاعی و دست راستی به این کنفرانس واقعا جالب و خیره کننده است. ائتلافی از جریانات سلطنت طلب و جمهوری خواه و قوم پرست کفش و کلاه کرده اند تا به استقبال این کنفرانس بروند. بعضا معترضند که چرا دعوت نشده اند؟ چرا حضوری ندارند؟ امیدشان را به این کنفرانس و نتایج آن بسته اند. اما این امیدها پوچ و واهی است. تماما سراب اند. نه هدف برگزارکنندگان در شرایط حاضر پیگیری چنین هدفی در قبال جمهوری است و نه این جریانات دارای چنین موقعیتی در جامعه هستند که بتوانند در موقعیت "آلترناتیو" علم شوند، و نه جامعه ایران خاموش و دست و پا چلفتی است که امیدش به چنین جریانات و پروژه هایی باشد.

آمریکا به دنبال کنترل و محدود کردن موقعیت منطقه ای رژیم اسلامی است. هدفش مساله تغییر موقعیت "هژمونیک" رژیم اسلامی در منطقه و قرار دادن متحدین استراتژیک خود، ائتلاف اسرائیل و عربستان، در چنین موقعیتی است. مساله شان موجودیت و بود و نبود رژیم اسلامی در این دوره نیست. مساله شان موقعیت این رژیم در منطقه است. به عبارت دیگر همان دستهایی که رژیم اسلامی را به عقب هل میدهند،

همان دستها هم زیر بغلش را گرفته اند. بعلاوه حتی اگر چنین هدفی را دنبال میکردند، ثبات و آزادی

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



جمهوری اسلامی
و جنبش عظیم دفاع
از اسماعیل بخشی

ضد سرمایه داری و برابری طلبانه ای است که مبارزات کارگری و بخش های مختلف مردم بخود گرفته است. از جمله امروز کارگر، معلم، بازنشسته، و بخش های مختلف معترض مردم دارند در کف خیابان و با شعارهایی چون حکومت فقر و سرمایه دار مفتخور نمیخواهیم، کل بساط توحش سرمایه داری را به چالش میکشند. دو نمونه درخشان از این مبارزات، اعتصاب ۲۸ روزه کارگران نیشکر هفت تپه و اعتصاب بیش از یکماه کارگران گروه ملی فولاد اهواز است که در ماههای آذر و آبان صورت گرفت نقطه عطفی در جنبش کارگری و بطور واقعی جنبش سرنگونی مردم بود. در صف جلوی این اعتراضات رهبرانی چون اسماعیل بخشی ها قد علم کردند و به محبوب کل جامعه تبدیل شدند. و اینها اعتراضاتی هستند که گفتمان علیه سرمایه داران مفتخورهای حاکم و گفتمان های آزادیخواهانه و برابری طلبانه و اداره شورایی را با خود به درون کل جامعه آوردند. توانستند گفتمان های اعتراض به مفتخورهای حاکم و سرمایه داران را و دامنه اجتماعی شان از نیشکر هفت تپه و گروه ملی فراتر رفت و فضای کل جامعه را به تحرک در آورد. این اتفاقات همبستگی مبارزاتی بخش های مختلف جامعه کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان، بازنشستگان، روشنفکران و نویسندگان را شکل داد و پیوند عمیقی را بین بخشهای مختلف مردم برقرار کرد که این پیوند را در شعارهای مشترک و اعلام حمایتها میشود دید. همین

وضعیت است که شرایط را برای رفتن بسوی اعتصاب سراسری به عنوان امری ممکن و ضروری برای کل جامعه فراهم کرده است. در برابر چنین اتفاقات شورانگیز و سربلند کردن قدرتمند جنبش کارگری در پیشاپیش اعتراضات کل جامعه است که جمهوری اسلامی بیش از پیش به وحشت افتاده و تلاش میکند با دستگیری فعالین کارگری فضای اعتراض و سرنگونی طلبی در میان مردم را عقب بزند. جمهوری اسلامی در حالیکه در زیر فشار اعتراضات دارد به بن بست میرسد و سرانش در اظهارات هر روزه و در جنگ و جدالهایشان دارند آشکارا از به پایان رسیدن عمر نظامشان سخن میگویند، در اوج استیصال و زبونی به هر ترفندی متوسل میشود تا اوضاع را کمی هم که شده، آرام کند. یک نمونه اش نمایش مسخره و رسوای مستند "طراحی سوخته" است که بازنده آن آشکارا خود حکومت بود و جامعه را علیه حکومت کثیف اسلامی و زندان و شکنجه گاههایش به تحرک در آورد. در مقابل این توطئه ها و سرکوبگریها کارگران و مردم ایستاده اند. بخشهای وسیعی از مردم به اشکال مختلف نفرت و انزجار خود را از جمهوری اسلامی و سرکوبگریهایش اعلام کرده و با کارهای مبارزاتی شان قد علم میکنند. از جمله بازنشستگان و معلمان به خیابان می آیند و با شعار "شکنجه مستند، دیگر اثر ندارد" پیام کل جامعه را به گوش جنایتکاران اسلامی میرسانند. صفحه ۵

دستگیری جعفر عظیم زاده و پروین محمدی را محکوم میکنیم

بنا به اطلاعیه اتحادیه آزاد کارگران ایران امروز سه شنبه ۹ بهمن جعفر عظیم زاده دبیر این اتحادیه دستگیر شده است. اتحادیه آزاد اعلام کرده است که "ساعت ۵ بعدازظهر امروز جعفر عظیم زاده دبیر اتحادیه آزاد کارگران ایران توسط چهار نفر که مشخص نشده از نیروهای چه ارگانی بودند بازداشت و به مکانی نامعلوم برده شد. ساعتی پس از بازداشت جعفر عظیم زاده، مامورین نیروی انتظامی کلاتتری ۱۱ فردیس کرج، پروین محمدی، نایب رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران را نیز بازداشت و کلیه وسایل شخصی، لپ تاب و گوشی همراه وی را ضبط کردند".

دستگیری جعفر عظیم زاده و پروین محمدی که به دنبال تعرضات به کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و دستگیری اسماعیل بخشی و علی نجاتی و سپیده قلیان صورت میگردد، تلاشی از جانب حکومت برای عقب راندن اعتراضات گسترده کارگران برای دستیابی به حقوق پایه ای شان است. جمهوری اسلامی تصور میکند با این دستگیری ها میتواند کارگران را به سکوت و عقب نشینی بکشاند. اما روند اوضاع جامعه و کارزارهای گسترده ای که توسط بخشهای مختلف مردم برای آزادی کارگران زندانی به جریان افتاده، آشکارا بر خلاف نقشه شوم و کثیف جمهوری اسلامی به پیش میرود. کارگران حقوق پایه ای خود را میشناسند و از حق تشکل و رفاه و منزلت و حقوق انسانی خویش کوتاه نمی آیند.

جعفر عظیم زاده، پروین محمدی و همچنین اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، اسماعیل عبدی و کلیه کارگران و معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند و همه پرونده های امنیتی مختومه اعلام شود. این را با گسترش مبارزه و کارزارهای دفاع از کارگران زندانی در ایران و در سطح بین المللی به حکومت اسلامی تحمیل خواهیم کرد.

نابود باد حکومت زندان و شکنجه و چپاول
زنده باد سوسیالیسم و جامعه انسانی

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ بهمن ۱۳۹۷، ۲۹ ژانویه ۲۰۱۹

جنبش کارگری با قدرت به جلو آمده و بیش از هر وقت به صحنه جدال سخت و هرروزه کارگران علیه فقر، بیکاری و بی تامینی، علیه اخراج از کار و نداشتن امنیت شغلی، علیه بالا کشیدن دستمزدها و اختلاسها، علیه دستگیریها و شکنجه و زندان و علیه کل اجحافات مفتخوران سرمایه دار و حکومت اسلامی شان تبدیل شده است. در این جدال هر روزه مبارزه کارگران به مبارزات بخش عظیم ۹۹ درصدی های جامعه که هر روز بیشتر و بیشتر زندگی و معیشتشان در چنگال فقر و بی تامینی به تباهی کشیده میشود، وصل است. اتفاق شورانگیز اینست که امروز کارگران با مبارزات قدرتمندشان در پیشاپیش اعتراضات کل جامعه قرار گرفته و گفتمان های کارگری و چپ را به جلوی صحنه سیاسی جامعه کشانده است و همه این اتفاقات در تداوم خیزش دیماه که مردم عزم خود را برای به زیر کشیدن کل بساط جهانی جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند، مکان و جایگاه واقعی خود را پیدا میکنند. نکته شورانگیز تر در این میان خصلت آشکارا طبقاتی و

از صفحه ۳

کنفرانس لهستان، اهداف واقعی و امیدهای واهی

از صفحه ۴

کارگران در هفته ای که گذشت

محمدی دستگیر شد. این نمایش را به پا کردند تا به خیال خود جامعه را به رعب و وحشت بکشند. اما این دستگیری در همین فاصله کوتاه به موجی از اعتراض دامن زده و کارگران با بیانیه های اعتراضی شان علیه آن هشدار میدهند.

دستگیری این دو رهبر اتحادیه آزاد کارگران ایران و در ادامه تعرضات حکومت به جنبش کارگری و کل جامعه قرار دارد. بدنبال این دستگیری جعفر عظیم زاده که قبلا برای او به اتهام "اقدام علیه امنیت کشور" ۶ سال حکم داده شده بود، به زندان اوین منتقل شد و پروین محمدی با قرار بازداشت موقت یکماه روانه زندان کجویی کرج گردید. پاسخ این سرکوبگری ها کارزار گسترده علیه بازداشت فعالین کارگری است. کارزار برای آزادی جعفر عظیم زاده، پروین محمدی، بهنام ابراهیم زاده است. پیوستن به کارزار دفاع از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و کیفرخواست آنان علیه شکنجه و زندان است. به راه انداختن جنبشی قدرتمند برای باز کردن درب زندانهاست.

جعفر عظیم زاده و پروین محمدی از چهره های سرشناس جنبش کارگری ایران هستند که سال های طولانی در دفاع از حقوق و منافع کارگران ایران در برابر تعرضات کارفرمایان و حکومت حامی سرمایه داران مفتخور و چپاولگر فعالیت کرده و بارها توسط دستگاههای قضایی، امنیتی و انتظامی بازداشت و زیر فشار های روحی و جسمی قرار گرفته اند. صفحه ۶

همچنین زندانی سیاسی ای که بخاطر اعتراضش علیه نقض آزادی بیان و دستگیری اسماعیل بخشی دستگیرش کرده اند، وقتی آزاد میشود، می آید از اینکه در زندان بر او چه گذشته است سخن میگوید و پیامش به حکومت اینست که این دستگیریها نمیتواند خدشه ای در مبارزه او در دفاع از آزادی بیانش ایجاد کند. در همین راستا کارگران هفته تپه نیز در همین هفته در اعتراض به ادامه بازداشت رهبر محبوبشان اسماعیل بخشی و مستند کذایی "طراحی سوخته" دست به اعتصاب اختطاری زدند و اختطاران را دادند. همچنین بخش های مختلف جامعه به شکل های مختلف همستگی مبارزاتی شان را به نمایش گذاشته و در دفاع از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان کل ماشین سرکوب و جنایت حکومت را به چالش میکشند. نکته اینجاست که دفاع از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، مبارزه برای آزادی آنها امروز به حلقه اتحاد مبارزه مردم علیه زندان و شکنجه و اتحاد جنبش آزادیخواهی کل جامعه تبدیل شده است.

دستگیری جعفر عظیم زاده و پروین محمدی تعرضی دیگر به کارگران
روز نهم بهمن ماه جعفر عظیم زاده دبیر و پروین محمدی نایب رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران بازداشت شدند. عصر این روز جمهوری اسلامی توسط هفده نفر از مامورین انتظامی مسلحش به منزل پروین محمدی یورش برد و عظیم زاده را که در آنجا مهمان بود بازداشت کرد و بعد از ساعتی نیز پروین

آزادی و رهایی زن تاریخی دیرینه دارد. ترقی خواهی و سکولاریسم و ضدیت با اسلام و اسلام سیاسی در محور تقابلات اجتماعی قرار دارد. واقعیت این است که تاریخ را نمیتوان به سادگی تکرار کرد.

و ما اجازه نمیدهیم! ما اجازه نمیدهیم از بالای سر مردم جریانات ارتجاعی و ضد آزادیخواهی را به مردم حقه کنند. ما اجازه نمیدهیم تاریخ فقر و فلاکت و استثمار و استبداد را تکرار کنند. ما اجازه نمیدهیم نوع دیگری از ارتجاع و عقب ماندگی را به مردم تحمیل کنند. ما اجازه نمیدهیم که مردم را به مرگ بگیرند تا به تب رضایت دهند.

نگاهی گذرا به تحولات سیاسی ایران نشان دهنده این واقعیت است که کمونیسم و کارگر هر روز بیش از پیش دارند به نقطه امید و آرزوی جامعه برای خلاصی از شر رژیم حاکم اسلامی تبدیل میشوند. این واقعیات را به سادگی نمیتوان از صحنه سیاست ایران حذف کرد.

حزب کمونیست کارگری و...

سیاست ما در قبال این کنفرانس و تلاشهای غرب و جست و خیزهای جریانات دست راستی چیست؟ ما اهداف واقعی چنین تلاشهای را بر ملا میکنیم. ما عوامفریبی های دستگاه تبلیغاتی آمریکا و متحدین ایرانی آن را نقد و افشاء میکنیم. ما تلاشهای این جریانات برای حقه کردن آلترناتیو راست و ارتجاعی به مردم بیباخته در ایران را افشاء میکنیم. مردم در ایران شایسته تمام آزادی اند، شایسته تمام برابری اند، شایسته تمام رفاه و خوشبختی اند.

ما با قاطعیت به جامعه اعلام میکنیم که تنها یک راه حل، یک اردو، یک صف برای رسیدن به اهداف دیرینه مردم وجود دارد. این نیرو کمونیسم کارگری است. تنها جنبش کمونیسم کارگری نماینده آزادیخواهی و برابری طلبی است. تنها کمونیسم کارگری نماینده رفاه و سعادت مردم و پایان دادن به فقر و فلاکت و اسلام زدایی از جامعه است. باید به دور این پرچم گرد آمد.

ما با قاطعیت اعلام میکنیم که نماینده "ثبات و آزادی" و اضافه میکنیم رفاه و برابری و خوشبختی جامعه تنها و تنها کمونیسم کارگری است. ما مردم را برای پایان دادن به کابوس حکومت اسلامی و رسیدن به اهداف خود به این اردو فرامیخوانیم.*

گوشه ای از اهداف و نتایج عملکردشان نیست. سناریوی عراق به این اعتبار به شدت گویا است. اما همین واقعیت نشاندهنده این حکم ما در قبال این صف است که این جریانات کوچکترین ربطی به اعتراض آزادیخواهانه و برابری طلبانه در قبال رژیم اسلامی ندارند. برعکس، مطابق با سیاست استراتژیک شان به امید دخالت و نظامی گری و فعال مایشایی آمریکا و متحدین منطقه ای آن نشسته اند. این جریانات بر متن پیشروی اعتراضات رادیکال و آزادیخواهانه اهدافشان به جلو سوق داده نمیشوند. بر عکس با سیاستهای ارتجاعی مانند تحریم اقتصادی و تهاجم نظامی و توطئه و بند بست از بالای سر مردم به قدرت نزدیک میشوند. از هم اکنون رضا پهلوی را سر علم کرده اند و به این طرف و آن طرف میروند تا شاید کلاهی از این نمد نصبشان شود. امیدشان این است که آمریکا و متحدین شان بتوانند "نقشه راهی" برای به قدرت رسیدن این جریانات دست و پا کنند و تدارک ببینند. امیدی پوچ و واهی!

ورشو گوادالوپ دوم؟

آیا کنفرانس ورشو، گوادالوپ دوم است؟ آیا تلاشی برای شکل دادن به آلترناتیو حکومتی پسا جمهوری اسلامی است؟ آیا در چنین موقعیتی قرار دارند؟

پاسخ به تمام این سؤالات منفی است. کنفرانس ورشو تکرار کنفرانس گوادالوپ نیست. اگر در گوادالوپ توانستند - پس از آنکه دیگر مسجل شده بود - نمیتوان رژیم مورد نظر خودشان، حکومت شاه را، حفظ کرد، در تلاش برای حفظ موقعیت استراتژیک خود در منطقه و بمنظور مقابله با نفوذ شوروی و بلوک شرق، مرتجع ترین جریانات اسلامی را به جلوی صحنه رانند. و موفق شدند تا جنبشی عظیم را با حقه کردن جریانات اسلامی بر اعتراض مردم عملا به شکست بکشاند. اما اوضاع فرق کرده است. صحنه سیاسی ایران امروز به دلایل متعدد، متفاوت است. نه غرب و متحدین آن از چنین موقعیتی برخوردارند و نه آمریکا و غرب از موقعیتی و اهرمی جدی برای شکل دادن به تحولات ایران برخوردارند. جریانات دست راستی و قوم پرست مدافع دول مرتجع غربی هم از آن موقعیت و اهرم برخوردار نیستند. از طرف دیگر جامعه ایران به شدت تغییر کرده است. کارگر و کمونیسم یک قدرت عظیم اجتماعی اند. جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی، عمیق و گسترده است. جنبش

از صفحه ۴

یک نمونه درخشان از مبارزات آنان به عنوان رهبران اتحادیه آزاد کارگران ایران به راه انداختن طومار اعتراضی ای با ۴۰ هزار امضا بر سر خواست افزایش دستمزدها و با خواست افزایش آن در گام اول به بالای خطر فقر اعلام شده دولتی بود که به جنبشی بزرگ تبدیل شد. امروز شعارهای "خط فقر ۶ میلیون، حقوق ما دو میلیون"، "حقوق های نجومی، فلاکت عمومی" بیان اعتراض این جنبش در کف خیابان علیه فقر، تبعیض و بساط سرمایه داری حاکم است.

جعفر عظیم زاده یکی از رهبران شاخص جنبش کارگری است که در آستانه اول مه ۹۵ همراه با اسماعیل عبدی از رهبران اعتراضات معلمان از درون زندان بیانیه ای مشترکی در اعتراض به امنیتی کردن مبارزات تحت عنوانی چون "اخلال در نظم و امنیت ملی" انتشار دادند که خواست مشخص آن لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی بود. این بیانیه برای اولین بار دو صف کارگران و معلمان را در کنار هم قرار داد و به کارزاری قدرتمند در سطح جامعه تبدیل شد. در این کارزار بزرگ اجتماعی کارگران با گفتن اینکه سرکوب اعتراضات کارگران و مردم معترض و دستگیری و بازداشت آنان تحت عنوانی چون "اخلال در نظم و امنیت ملی" معنای واقعی اش برهم خوردن نظم و امنیت سرمایه داران دزد و مفتخور برای چاپیدن بیشتر و استثمار شدید تر کل جامعه است، سرمایه داری وحشی حاکم و دستگاه سرکوبش را به چالش کشیدند. این کارزار و به پا خاستن کل جامعه

کارگران در هفته ای که گذشت

علیه دستگاه قضایی حکومت که کار آن پاسداری از منافع سرمایه داران مفتخور است، در کنار کیفرخواست امروز اسماعیل بخشی و سپیده قلیان علیه شکنجه و زندان تعرضی قدرتمند به کل بساط سرکوب و جنایت حکومت است. همین امروز اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، علی نجاتی، جعفر عظیم زاده، پروین محمدی، اسماعیل عبدی و دیگر معلمان زندانی، بهنام ابراهیم زاده، آتنا دائمی و دهها و صدها فعال سیاسی دیگر با اتهاماتی از همین دست در زندانند. با همین حربه نیز مبارزات کارگران در نیشکر هفت تپه، گروه ملی، هپکو و محیط های مختلف کارگری مورد تعرض و حمله قرار میگیرد. با همین ابزار تجمعات بازنشستگان، معلمان و بخشی های مختلف مردم مورد حمله نیروهای سرکوب حکومت قرار میگیرد و معلمی چون محمد حبیبی بازداشت شده و به ده سال و نیم زندان محکوم میشود. این اتفاقات همه و همه تاکید دیگری بر جایگاه مبارزه علیه امنیتی کردن مبارزات است. و امروز بدرست یک خواست مهم کارگران و معلمان و مردم معترض در اعتراضاتشان پایان دادن به امنیتی کردن مبارزاتشان و خارج شدن نیروی های سرکوب از محیط های کار و مراکز کار و دانشگاههاست. اعتراض به دستگیری جعفر عظیم زاده و پروین محمدی، اعتراض به ادامه بازداشت اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و بهنام ابراهیم زاده و مبارزه برای کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی یک گام مهم برای پیشروی مبارزات کل

جامعه و گرفتن چماق زندان و شکنجه از دست جمهوری اسلامی است. با کارزاهای اعتراضی مان هر چه قدرتمند تر به میدان بیاییم. جمهوری اسلامی با کل بساط سرکوب و زندانش باید گورش را گم کند.

سازمانیابی آزادیخواهی با طومارهای اعتراضی علیه شکنجه و زندان

جنبش آزادیخواهی در ایران امروز با متحد شدن حول کارزارهای اعتراضی در دفاع از کیفرخواست اسماعیل بخشی و سپیده قلیان علیه شکنجه و زندان و در اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات و ارج گذاشتن به مبارزات رهبرانی چون جعفر عظیم زاده ها و پروین محمدی ها، صف خود را سازمان داده و هر روز قدرتمند تر به جلو گام بر میدارد. در بستر این جنبش قدرتمند است که کارگران و بخش های مختلف مردم با بیانیه های اعتراضی شان، گفتمان های آزادیخواهانه و دفاع از حقوق پایه ای کل جامعه از جمله داشتن حق تشکل، حق حزب، حق اعتصاب، حق تجمع، حق اعتراض، حق آزادی بیان و وسیعترین آزادیها هر روز بیشتر به جلو می آید. و با این گفتمان ها مردم بطور واقعی دارند کل بساط سرکوب و جنایت توحش سرمایه داری حاکم را به چالش میکشند. یک شکل بیان آشکار این کارزار ها انتشار طومار های اعتراضی از سوی کارگران و بخش های مختلف جامعه در دفاع از آزادی و انسانیت است. بیانیه هایی که بسیاری از چهره های شناخته شده و سرشناس جنبش های اعتراضی در سطح جامعه امضا کنندگان

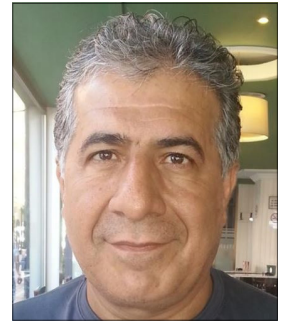
آن هستند. از جمله بیش از ۸۰۰ نفر از فعالین اجتماعی در طومار اعتراضی خود در دفاع از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان اخطار داده و مینویسند: "ما امضا کنندگان این بیانیه، ضمن ابراز نگرانی شدید از وضعیت اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، دستگاه امنیتی وزارت اطلاعات و شخص رئیس جمهوری را مسئول حفظ جان و سلامتی آن دو و دیگر فعالان جنبش های اجتماعی دانسته و خواهان آزادی هرچه سریع تر این دو زندانی هستیم." در بخشی از این طومار در اعتراض به پخش مستند ساختگی "طراحی سوخته" در صدا و سیمای جمهوری اسلامی چنین آمده است: "دستگاه های امنیتی ایران بر این تصوراند که با اعمال شکنجه، اعتراف گیری اجباری، تهمت های جنسی و پرونده سازی های ناموسی و تحریک خانواده ها، ارتباط فعالان جنبش های اجتماعی را با افراد و نهادها جاسوسی و توطئه جلوه دهند تا از این طریق، صدای کارگران را در بیان آزاد خواسته هایشان خاموش، اعتراضاتشان را متوقف، اعتماد به نمایندگان منتخب شان را سلب و با ایجاد جو بی اعتمادی و تفرقه قدرتشان را تضعیف کنند. اما واقعیت نشان داد سناریوهای امنیتی، رسواتر از آنند که خللی در اراده ی مردم برای تحقق خواسته های بحق شان ایجاد کنند."

طومار دیگر تحت عنوان "نامه اسماعیل بخشی دادخواهی علیه ۴۰ سال بیحقوقی و سرکوب و شکنجه و اعدام است" منتشر شده است و این طومار از سوی تعداد دیگری از فعالین

اجتماعی با خواست آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان منتشر شده و تا کنون ۶۵۴ نفر آنرا امضا کرده اند. در بخشی از این طومار چنین آمده است: "اسماعیل بخشی در نامه به وزیر اطلاعات کیفرخواست همه مردم را اعلام کرده است. این کیفرخواستی علیه ۴۰ سال بیحقوقی مردم است. علیه اسیدپاشی ها و بیحرمت کردن میلیون ها زن است. کیفرخواستی علیه دخالت در زندگی خصوصی مردم و شنود مکالمات خصوصی اعضای خانواده با یکدیگر و بیحرمت کردن مردم است. این نامه باید مانند باروتی همه مردم را به جان حکومت بیندازد. همه این جنایت ها، همه این سرکوبگری ها باید پایان یابد." این طومار در پایان بر خواسته های مهم زیر تاکید گذاشته است:

اعلام رسمی و علنی میرا شدن اسماعیل بخشی و سایر دستگیرشدگان هفت تپه و فولاد اهواز از هر گونه اتهام، مخومه اعلام شدن کلیه پرونده هایی که علیه فعالین عرصه های مختلف ساخته شده بطور رسمی و علنی، آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی، فعالین کارگری و معلمان و دانشجویان زندانی و سایر فعالین زندانی، پایان دادن به دستگیری مردم معترض و امنیتی کردن اعتصابات و اعتراضات، به رسمیت شناخته شدن حق اعتصاب و اعتراض و تشکل و آزادی بیان و عقیده، بیرون انداخته شدن کلیه نیروهای سرکوب از مراکز کار و تحصیل، پایان دادن به دخالت در زندگی خصوصی مردم و شنود مکالمات، معرفی و محاکمه آمران و عاملان شکنجه اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و

گفتگو با محمد آسنگران در باره "بیانیه کنفرانس نیروهای چپ و کمونیست در کردستان"



خلیل کیوان: شنبه هفته گذشته، ۷ بهمن ۱۰۷ برابر با ۲۷ ژانویه، چهار حزب و جریان سیاسی کردستان از جمله کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران بیانیه مشترکی تحت عنوان "بیانیه کنفرانس نیروهای چپ و کمونیست در کردستان" منتشر کردند. ضرورت انتشار این بیانیه چیست و چه روندی طی شد تا هم‌منظری لازم و بدنبال آن چنین توافقی حاصل شود؟

محمد آسنگران: همچنانکه در مقدمه بیانیه آمده است فضای سیاسی ایران از دی ماه ۹۶ وارد فاز جدیدی شده است و همه نیروهای مدعی قدرت در حال آماده کردن خود برای شکل دادن به آلترناتیو مورد نظرشان برای جانشینی جمهوری اسلامی هستند. کردستان که محل فعالیت این نیروهای چپ و کمونیست است طبیعی است که تلاش کنند با قدرت و کارایی بسیار بیشتری در فضای سیاسی ایفای نقش کنند. همچنانکه جنبشها و احزاب رنگارنگ طبقات دیگر همین کار را میکنند.

پروژه ای که این بیانیه و توافق، نتیجه آن بود پروژه ای دوستانه و بسیار صمیمانه و با حس همکاری و درک متقابل و هم‌جهتی بالا بود. این نیروها در عین حال که از یک پیشینه تاریخی مشترک می‌آیند در پروژه مبارزه سیاسی سه دهه اخیر تفاوتها

و اختلافات سیاسی معینی آنها را از هم جدا کرده بود. اما با گذشت زمان هم‌جامعه متحول شد و هم‌این نیروها متحول شدند. کسی که اندک شناختی از گذشته سه دهه قبل این جریان‌ها داشته باشد متوجه خواهد شد که همه آنها افت و خیزهایی را از سر گذرانده و گرایش‌ها ناخالصی از همه آنها فاصله گرفته‌اند. این فاکتور بعلاوه فاکتور تحول جامعه و رادیکالیزه شدن جنبشهای اعتراضی و عروج جنبش کارگری در ایران به عنوان جنبشی قدرتمند و موثر باعث شده است که نیاز به نزدیکی و همکاری آنها را بیش از پیش روی میز همه آنها قرار بدهد. در حقیقت این نزدیکی و بیانیه مشترک پاسخی به نیاز جامعه امروز است نه محدود به تمایلات وحدت طلبانه اقشار و گرایش‌ها وحدت طلب. زیرا گرایش به وحدت همیشه در میان اقشار و گرایش‌ها معینی در جامعه موجود بوده و هست. اما آنچه این نزدیکی و بیانیه مورد بحث نتیجه آن شده است پاسخ به یک نیاز واقعی جامعه بوده است.

خلیل کیوان: نکات متعددی در بیانیه آمده است؛ از جمله اینکه صف بندی نیروهای چپ و راست در ایران و در کردستان روشن و شفاف شده است. بر این زمینه از دو افق و دو آینده در جریان سرنگونی جمهوری اسلامی برای کردستان صحبت میشود؛ یکی حکومت فدراتیو متکی بر پارلمان، و دیگری حکومت شورایی متکی بر اراده مردم. موقعیت هر کدام از این دو

نیرو و این دو افق و دو آلترناتیو در کردستان را چگونه می‌بینید؟

محمد آسنگران: واقعیت این است که در کردستان دو جنبش اجتماعی و دارای پیشینه و سوابق تاریخی موجود بوده و این دو جنبش در مقابل جمهوری اسلامی خود را تعریف کرده‌اند. احزاب متعددی از این جنبشها سر بر آورده‌اند. نمایندگان سیاسی جنبش ناسیونالیستی و جنبش کمونیستی در کردستان هم اکنون چندین حزب و گروه هستند که تلاش میکنند افق و آرمان این دو جنبش را بر اساس منافع طبقاتی متفاوتشان در جامعه گسترش بدهند.

احزاب جنبش ناسیونالیستی با طرح فدرالی کردن جامعه و تشکیل حکومتی محلی اتکایش به قدرتهای منطقه‌ای و جهانی است و تلاش میکنند در چهارچوب سیاست این قدرتها به نان و نوایی برسند و الگوی آنها حکومتی از نوع حکومت منطقه‌ای کردستان عراق است.

برخلاف این افق و سیاست، جریان‌های چپ و کمونیست کردستان خود را نماینده سیاسی و زبان‌گوی جنبش کارگری و اقشار تحت ستم جامعه میدانند و طرح فدرالیستی جریانات بورژوا ناسیونالیست را به ضرر جامعه و باعث تفرقه میدانند. ما عیقا معتقدیم که طرح فدرالی کردن جامعه باعث تفرقه و حتی جنگهای قومی و ملی میشود و اختلاف جریانات ناسیونالیست را تا سر حد پاکسازی قومی میتواند

پیش ببرد. زیرا در اولین قدم فدرالی کردن جامعه دعوا بر سر مرز کردستان و آذربایجان در استان آذربایجان غربی شروع میشود. دعوا بر سر تعیین مرز کردستان و مردم منتسب به ملیتهای دیگر در جنوب غربی ایران شروع میشود. همین یک قلم کافی است که دشمنان مردم از چنین شرایطی برخوردار بشوند تا جنگهای قومی را باد بزنند و با شکست تلاش مردم برای رهایی کل جامعه را مرعوب و متفرق کنند.

علاوه بر این ما تجربه شکست خورده فدرالیسم قومی در کردستان عراق را داریم که حتی مبتکرین این طرح در کردستان عراق بارها اعلام کرده‌اند که طرحشان شکست خورده است. علیرغم اینکه دولت مرکزی در بخش عمده کردستان عراق حاکمیتی ندارد اما همچنان مسئله کرد به عنوان یک مسئله لاینحل باقی مانده است. این روند در کردستان عراق اکنون به عنوان یک فاکت موجود است که تفرقه قومی را بیش از پیش باد زده است.

ما برخلاف سیاست و دیدگاه جریانات ناسیونالیست کرد به یک روند طبیعی و واقعی در جامعه متکی هستیم و آن هم تقویت همبستگی مبارزاتی مردم کردستان با بقیه مردم ایران است. زیرا همین حالا رابطه تنگاتنگ مبارزات مردم کردستان با بقیه مردم ایران امری انکارناپذیر است و تفرقه قومی پدیده‌ای چشمگیر در جامعه نیست. حتی جایی که بطور ضعیف هم این فرهنگ تفرقه را شاهد هستیم ناشی از

تبلیغات جریانات قومی و ناسیونالیست است. اگر نه مردم کردستان پیوندی تاریخی و سیاسی و مبارزاتی عمیق با بقیه مردم ایران دارند. به همین دلیل ما اعمال اراده مستقیم همه شهروندان کردستان را به عنوان بخشی از حکومت شورایی سراسری در ایران میدانیم. از نظر ما شوراهای مردم امروز به عنوان ارگان مبارزه و فردای پس از جمهوری اسلامی به عنوان ارگان اعمال اراده مستقیم شهروندان مناسبترین و پیشروترین شکل دخالت مردم در اداره جامعه است.

واضح است که رفع ستم ملی از نظر ما به معنی رسمیت یافتن حقوق مساوی و قانونی همه شهروندان است و حل مسئله کرد هم با رجوع به آرا مردم برای جدایی یا ماندن در چهارچوب جغرافیای موجود عملی است. ناسیونالیستها با طرح فدرالی کردن جامعه میخواهند با حفظ و تقویت احساس قومی و ملی این پدیده را همچنان به عنوان یک بستر سهیم شدن در قدرت برای خود نگهدارند. برخلاف آنها سیاست ما کمونیستها حل این مشکل و تمام شدن این احساس قومی و ملی در میان مردم است و تلاش میکنیم احساس انسانی و همبستگی طبقاتی را تقویت کنیم.

علاوه بر این جنبش سوسیالیستی از نظر من روندی بالنده و رو به جلو داشته و دارد. زیرا این جنبش بخشی از ریشه در دنیای مدرن امروز و در مناسبات تولیدی امروز جامعه سرمایه داری

دارد و هدفش نفی مناسبات تولیدی حاکم است. برخلاف جنبش

از صفحه ۷

ناسیونالیستی که جنبشی دست ساز و فقط یک ایدئولوژی ساخته شده بوسیله جریانات قومی و ناسیونالیست است که با استفاده از آن بتوانند جنبش قومی و ملی را خلق کنند و برای سهیم شدن خود در قدرت به ادامه مناسبات تولیدی سرمایه دارانه کمک نمایند. به همین دلیل ما تاکید کرده ایم که این جنبش و سیاست و طرحهای احزاب منبعث از آن مایه تفرقه در میان مردم و توجیه کننده سیستم نابرابر جامعه موجود است.

خلیل کیوان: بیانیه همچنین به نقش قدرت های جهانی و منطقه ای در تاثیر گذاری بر صف بندی نیروها در کرستان میپردازد. با توجه

گفتگو با محمد آسنگران در باره "بیانیه کنفرانس نیروهای چپ و کمونیست در کردستان"

مطالبات محوری مردم را در یک پلاتفرم عملی بیان و دست بکار اجرای آنها بشویم. امیدوارم این پروسه با سرعت بیشتری عملی بشود. معلوم است بعد از سالها جدایی و فاصله این جریانات با همدیگر پروسه نزدیکیشان ابتدا با موانعی ذهنی مواجه است و این موانع اگر بتواند زودتر برطرف بشود، که امیدوارم چنین باشد، پروسه اجرایی کردن سیاستهای مشترک راحت تر از آنچه تصور میشود ممکن میگردد. اما مهمترین فاکتور برای سرعت بخشیدن به این پروسه اوضاع سیاسی ایران است. به هر نسبتی که فضای رادیکال و چپ در جنبشهای اعتراضی پررنگ و قوی باشد به همان اندازه سرعت این همکاری و نزدیکی بیشتر خواهد بود. *

سیاست خود راهی بجز به میدان آوردن قدرت توده کارگر و زحمتکش ندارد. **خلیل کیوان:** چه اقدامات و برنامه هایی برای هماهنگی و همکاری های بیشتر در جهتی که بیانیه روشن کرده است در دستور دارید؟ **محمد آسنگران:** ما در یک بند از بیانیه تاکید کرده ایم که مکانیسمی بوجود خواهیم آورد که بتواند فعالیت هماهنگ و مشترک این احزاب را در کردستان پیش ببرد. ما توافق داریم که در کردستان زیر یک چتر واحد برای اجرایی مفاد این بیانیه فعالیت بکنیم. اما فراتر از این بیانیه ما تلاش میکنیم که

و متحد ممکن است که احزاب کمونیست بتوانند با اتکا به آرا شهروندان سکان هدایت شوراها و اداره جامعه را بدست بگیرند. هستند کسانی که فکر میکنند با مسلح شدن و قدرت اسلحه میتوان به این هدف رسید. اما من علیرغم تاکید به داشتن نیروی مسلح تحت نظارت شوراها مردم، فکر میکنم تنها راه پیروزی قطعی کمونیستها از مسیر مردم سازمان یافته در شوراها و انتخاب رهبران و کادرهای کمونیست در راس شوراها است که این مسئله را میتواند تضمین کند. احزاب کمونیست برای عملی کردن

به اینکه نیروهای بورژوا-ناسیونالیست از پشتیبانی سیاسی و مادی قدرت های جهانی و دول منطقه برخوردارند، با تاثیرات مخرب آنها چگونه مقابله میکنید؟ **محمد آسنگران:** مهمترین سلاح ما کمونیستها اتحاد مردم و نقش رهبری کننده و تعیین کننده جنبش کارگری در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و حاشیه ای کردن دیگر جنبشهای طبقات دارا از جمله جنبش ناسیونالیستی و احزاب منبعث از آن است. اما رسیدن به این امر فقط با وجود جامعه ای سازمان یافته

از صفحه ۶

کارگران در هفته ای که گذشت

در تمام عرصه ها و تعیین دادن بیشتر به گفتمان های رادیکال و چپ و انسانی خود در سطح جامعه و سازمانیابی صف انقلابمان برای رسیدن به جامعه ای آزاد، برابر و انسانی است. به عبارت روشنتر عروج چپ در راس جنبش های اعتراضی در سطح جامعه و تعیین یافتن هر روز بیشتر شعارهای سوسیالیستی آن در کف خیابان، امروز بیش از هر وقت بر ضرورت تحزب یابی این جنبش تاکید دارد، تا قدرتمند و سازمانیافته کل بساط سرمایه داری حاکم را جارو کنیم. پیوستن به حزب کمونیست کارگری پاسخ این شرایط است. وسیعا به این حزب بیبوندید. *

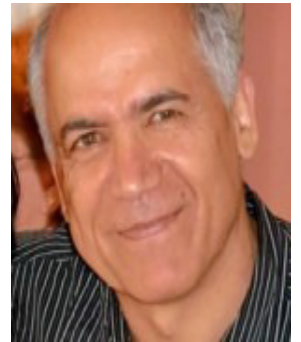
در برابر سر بلند کردن قدرتمند طبقه کارگر و جلو آمدن گفتمان های چپ و کمونیستی در سطح جامعه، نه فقط جمهوری اسلامی بلکه اطلاق فکرهای دول و احزاب مدافع سرمایه به تکاپو افتاده و با هزار طرح و توطئه در جهت مهار، کنترل و عقب زدن آن تلاش میکنند. ما کمونیستها و کارگران نیز باید برای برداشتن گامهای بعدی خود نقشه و چشم انداز روشنی داشته باشیم. یک گام مهم در این راستا کارزارهای مبارزاتی ما علیه سرکوبگری های حکومت است. اما قدم مهمترین به چالش کشیدن حکومت سرمایه داری حاکم

شکایت اسماعیل بخشی درباره "شکنجه" را بدلیل ذی نفع بودن در پرونده فاقد صلاحیت اعلام کرده اند. در بخشی از نامه این ۲۱ وکیل دادگستری چنین آمده است: "اسماعیل بخشی، کارگر و شهروند ایرانی می باشد و خواست وی مطالبات قانونی صنفی بوده است که این روزها مورد حمله تبلیغات منفی سازمان یافته و نسبت های ناروا از سوی صدا و سیما و برخی مسئولان نیز قرار گرفته است. بی تردید اظهار نظر قبل از صدور حکم، بر خلاف قانون و ممنوع می باشد".

نمونه های دیگری از این طومارها، نامه های اعتراضی بایستی امضا از سوی وکلای ارگانهای سرکوب حکومت جرات نکنند حتی یک نفر را بخاطر اعتراض به شرایط غیر انسانی که به مردم تحمیل شده مورد بازخواست و دستگیری و اذیب و آزاد قرار دهند، باید موجی از همبستگی و اعتراض در سراسر جامعه شکل گیرد و امضاء کنندگان آن همگان را به پیوستن به این کارزار و امضای طومار اعتراض خود فراخوانده اند. وسیعا این طومار ها را امضا کنیم و صفوف مبارزه مان را قدرتمند تر و متحد تر کنیم. و بالاخره

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

چشم انداز پیروزی کمونیسم در ایران



اصغر کریمی

مواضع انقلابی، انسجام نظری سیاسی و جهتگیری سریع بطرف برنامه و حزب، خلاء یک جریان کمونیستی را بدرجائی پر کرد و به بخشی از نیازهای طبقه کارگری که وارد میدان شده بود جواب داد، در جنبش آنزمان هژمونی یافت، نیروی قابل توجهی جذب کرد و حزب کمونیست در ادامه این پیشروی تشکیل شد. اگر سرکوب خونین ۶۰ به بعد اتفاق نیفتاده بود و یا حتی دو سال بعد اتفاق افتاده بود، کمونیسم در آن مقطع موجودیت عظیمی پیدا میکرد که دیگر سرکوبش راحت نبود.

میخواهم تاکید کنم که چهاردهه قبل هم کمونیسم یک گرایش وسیع و اجتماعی در ایران بود هرچند خام بود، بی برنامه و فاقد حزب واقعی خود بود. با تشکیل حزب کمونیست کارگری در ۲۷ سال قبل بار دیگر کمونیسم شروع به شکوفایی کرد. اینبار کمونیسمی شفافتر، اجتماعی تر و کارگری و با برنامه ای روشن، به نام کمونیسم کارگری. در چند دهه اخیر طبقه کارگر که در انقلاب ۵۷ هنوز طبقه جوانی بود، به یک طبقه کارگر کاملا صنعتی، وسیع، شهری، مجرب تر و سیاسی تر تبدیل شده است. توده های کارگر در کوران انقلاب ۵۷ سیاسی شدند و در این چند دهه بسیاری از آنها از تحصیلات دانشگاهی برخوردار شده اند. از اوایل دهه هشتاد اعتصابات کارگری شروع به گسترش میکند، تعرضی تر، سازمانیافته تر و رادیکال تر میشود و رنگ و بوی دیگری میگیرد. از این مقطع به بعد اعتصابات و اعتراضات کارگری با سیری

صعودی ادامه می یابد و در سه چهار سال اخیر آمار اعتصابات سالانه از مرز هزار میگردد. حکومت قادر به جلوگیری از گسترش اعتصابات نیست. توازن قوا تغییر میکند. صدها رهبر کارگری جلو صحنه میایند و در جامعه اسم و رسم پیدا میکنند. اعتصابات طولانی مدت در بسیاری از مراکز کارگری، به فعالین کارگری امکان میدهد که سازمان بهتری به اعتصاب بدهند و نقش موثرتری ایفا کنند. هزاران فعال مجرب کارگری در دل این اعتصابات شکل میگیرد و سنت های نوینی در جنبش کارگری پا میگیرد. اعتراضات در اکثر مراکز کارگری به بیرون مرزهای کارخانه کشیده میشود، خانواده های کارگری در تجمعات و راهپیمایی ها شرکت میکنند و همبستگی وسیع مردم با جنبش کارگری جلب میشود و جنبش کارگری چهره دیگری پیدا میکند. به این مجموعه حمایت های بین المللی از کارگران و انعکاس وسیع اعتراضات کارگری در رسانه ها را نیز باید اضافه کرد. در دهه نود شمسی مدیای اجتماعی نیز وسیعا مورد استفاده کارگران و سایر مردم معترض قرار میگیرد و بعنوان ابزاری برای خبررسانی، بحث و گفتمان و بویژه سازمانیابی و سازماندهی مورد استفاده قرار میگیرد و نقش مهمی از جمله در شکل دادن به اعتصابات سراسری ایفا میکند. بدین ترتیب جنبش کارگری و ثقل سیاسی کارگر در جامعه کاملا از دهه های قبل متمایز میشود. طبقه کارگر به یک نیروی سیاسی در صحنه جامعه تبدیل

میشود و سرها بطرف این طبقه برمیکردد.

دیمه سال قبل نقطه عطفی خرد کننده برای جنبش ملی اسلامی بود. جنبش عظیمی با شعار محوری سرنگونی جمهوری اسلامی و علیه هر دو جناح حکومت به میدان آمد و جنبش ملی اسلامی که از سال ها قبل سیر رو به افولی داشت از این مقطع کاملا به حاشیه رانده شد. با عروج جنبش کارگری و چپ در طول یک سال گذشته، اپوزیسیون راست طرفدار دول غربی نیز که سنتا طرفدار راست ترین و ارتجاعی ترین جناح های هیئت حاکمه در کشورهای غربی و در این دوره طرفدار ترامپ است، بطور محسوسی تضعیف شد. طرح ها و نقشه های مختلف این جنبش در سال های گذشته یکی پس از دیگری از صحنه سیاسی کنار رفته و یا حتی جایی در افکار عمومی مردم باز نکرده است. آیکون های این جنبش مثل کورش کبیر و مراسم پاسارگاد و طرح ها و گفتمان های رفراندم، حمله نظامی و رژیم چنج و غیره بدلیل بی ربط بودن به جامعه، تخیلی بودن و ضد مردمی بودن رنگ میبازد. اینها علیرغم سالها تلاش و گردهمایی های مختلف قادر به شکل دادن به هیچ حزب سیاسی نیم بندی هم نبوده اند. حتی رسانه های فارسی زبان دست راستی که مجاهدت زیادی در بزرگ کردن این جریانات و سانسور مبارزات کارگری به خرج دادند، مجبور شده اند بیش از پیش از اعتراضات کارگری و توده ای و رهبران آن صحبت کنند. بدینترتیب جدال چهل

ساله میان سه جنبش ملی اسلامی، ناسیونالیسم طرفدار دول غربی و کمونیسم کارگری بوضوح به نفع کمونیسم کارگری تغییر میکند.

نفوذ کمونیسم در میان کارگران، معلمان و بازنشستگان و همینطور در میان فعالین جنبش رهایی زن، جنبش دانشجویی و فعالین سایر جنبش های اجتماعی در سالهای اخیر بر متن پیشروی جنبش سرنگونی و مشخصا جنبش کارگری رشد کرده است. کمونیسمی متفاوت و اجتماعی، دخالتگر، کارگری، مدرن و انسانی که در شکل دادن به این فضا نقشی تعیین کننده داشته و به نوبه خود از این فضا نیرو گرفته است. کمونیسمی که به همه چیز کار دارد و فعالیت میدانی وسیعی در ایران و در سطح بین المللی دارد. مدیای اجتماعی و امکانات تلویزیونی هم، انحصار طبقات حاکم بر رسانه ها را در هم میشکند و به توده های وسیع مردم امکان میدهد که به این نوع کمونیسم وسیعا دسترسی پیدا کنند و بدین ترتیب یک مانع بزرگ در مقابل عرض اندام توده های وسیع مردم و گسترش نفوذ کمونیسم کنار رفته و کمونیسم پوست میترکاند. سرکوب هر نوع آزادی بیان و اندیشه و هر نوع تشکل و تحزب، برای جلوگیری از آگاهگری، سازماندهی، افشای مذهب و قوانین و سیاست های حکومت و بنیادهای نظامی که بر پایه استثمار و بیحقوقی اکثریت مردم بنا شده و قبل از هرچیز برای جلوگیری از بسط و گسترش ایده های کمونیستی و راه رهایی مردم از فقر و نابرابری و بیحقوقی خرافه است. صفحه ۱۰

کمونیسم جنبشی اجتماعی و یک واقعیت عینی در میان طبقه کارگر و در جامعه است. نه الان بلکه دهه پنجاه هم اینطور بود. در انقلاب ۵۷ و در فضای بازتری که از مقطع ۵۶ شروع شد کمونیسم بسرعت رشد کرد. محافل کمونیستی متعددی در میان کارگران حضور داشتند و در جریان انقلاب ۵۷ که تا سال ۶۰ بطول انجامید، کمونیسم به گرایشی نیرومند در درون کارگران پیشرو تبدیل شد و بر کمیت و کیفیت محافل کمونیستی، صرفنظر از اینکه رابطه ای با گروههای کمونیستی آن زمان داشتند یا نه، بسرعت افزوده شد. سازمانهای مختلف چپ نیز که به هر شکل خود را کمونیست میدانستند در این سال ها وسیعا رشد کردند. اما بدلیل تسلط سوسیالیسم خرده بورژوازی و غیر کارگری بر آنها، جوابگوی نیاز طبقه کارگری که در انقلاب پا به صحنه سیاست گذاشته بود نبودند و به همین دلیل بسرعت وارد بحران شدند. مارکسیسم انقلابی اما بسرعت رشد کرد، چون متکی به مارکسیسم بود، توهمی به هیچ بخشی از بورژوازی و حکومت اسلامی اش نداشت و علیرغم اینکه از جنبه پراتیک و روشهای فعالیت از چپ غیر کارگری نبریده بود اما بدلیل

از صفحه ۹

چشم انداز پیروزی ...

اما این موانع در عمل با گسترش اعتراض بخش های مختلف مردم و دسترسی مردم و احزاب مخالف به شبکه های تلویزیونی و مدیای اجتماعی، به میزان قابل توجهی از سر راه کنار زده شده و جامعه ای که تشنه رفاه و عدالت و آزادی و رهایی از خرافه است، به این کمونیسم روی میآورد. رایج شدن گفتمان اداره شورایی و همبستگی با جنبش کارگری و اتحاد میان کارگر و بازنشسته و معلم و دانشجو و یا خواست های سراسری که در تجمعات اعتراضی و بیانیه ها و طومارها فریاد زده میشود، خواست عمیق عدالت و آزادی و یا شعارهایی که مذهب و ریاکاری مذهبی و آخوند جماعت را سکه یک پول میکند، شعارها و گفتمان های وسیع علیه شکاف طبقاتی و کلا علیه استثمار و نابرابری، توقعات و انتظارات از یک زندگی انسانی، جا باز کردن هرچه بیشتر فرهنگ و سنت های پیشرو در جنبش رهایی زن و همینطور حقوق و حرمت کودک در میان طیف های مختلف مردم و کلا رواج وسیع ارزش های انسانی را باید بر متن پیشروی کمونیسم در جامعه بررسی کرد.

بدیهی است که این فضای چپ که در اعماق جامعه جای محکمی پیدا کرده است و تحولات مهمی که در جنبش کارگری و به نفع کارگر و کمونیسم روی داده است، خودبخودی و اتفاقی نبوده است. کمونیسم یک بازیگر قدرتمند صحنه سیاسی بوده و در سوخت و ساز و رشد و تعمیق جنبش کارگری و کل

فضای سیاسی نقش تعیین کننده ای ایفا کرده است و دقیقاً بدلیل نقش تاکنونی آن است که امروز با پیشروی جنبش کارگری و جنبش های حق طلبانه دیگر، زمینه عروج پیدا میکند. در کشورهای مصر و تونس و لیبی هم کارگران و توده های وسیع مردم به میدان آمدند و حتی موفق شدند دیکتاتورها را سرنگون کنند اما بدلیل عدم وجود چنین کمونیسم و چنین حزبی این خواست ها و این شعارها در این مبارزات جایی پیدا نکرد. در ایران کمونیسمی رادیکال و اجتماعی، حضور دارد و بدلیل تحلیل های واقعی و روشن از تحولات جامعه، بدلیل مقابله همه جانبه و سازش ناپذیر با حکومت و جناح های مختلف آن و مقابله قاطع با مذهب و ناسیونالیسم و قومپرستی و فرهنگ و سنت های عقب مانده و ارتجاعی، بدلیل دخالتگری مستمر در همه زمینه ها و علیه همه بیحقوقی ها، بدلیل صدها کمپین وسیع و گسترده علیه سرکوب ها و جنایات حکومت، بدلیل شفافیت، علنیت و فرهنگ بالای سیاسی و چهره های شناخته شده و در دسترس جامعه، تاثیرات عمیقی بر فرهنگ و ذهنیت جامعه و فعالین جنبش های مختلف باقی گذاشته است. بسیاری از بندهای برنامه یک دنیای بهتر به خواست های اعتصابات و شعارهای خیابانی مردم و یا به قطعنامه ها و بیانیه ها و طومارهای کارگران و دیگر بخش های جامعه تبدیل شده است. بویژه در زمینه جنبش کارگری، حزب کمونیست کارگری خشت روی خشت گذاشته و چهره جنبش کارگری را به طور واقعی عوض کرده است. از تلاش برای مطرح کردن

رهبران این جنبش و تبدیل آنها به چهره های شناخته شده تا به میدان کشیدن خانواده های کارگری، از جلب همبستگی در ایران و در سطح بین المللی با جنبش کارگری تا تلاش سیستماتیک برای بلند کردن پرچم خواست های سراسری از افزایش چند برابر دستمزدها تا تحصیل رایگان و درمان رایگان و یا دامن زدن به گفتمان مجمع عمومی و جنبش شورایی و تلاش در زمینه سازمانیابی کارگران، اینها گوشه هایی از یک کار عظیم حزب در این زمینه بوده که به پشتوانه بحث های مهم نظری و سیاسی صورت گرفته است. امروز هیچ انسان منصفی نمیتواند بلوغ جنبش کارگری و مولفه های مختلف پیشروی آنرا بدون وجود حزب کمونیست کارگری توضیح بدهد. و بسیار طبیعی است که با پیشروی جنبش کارگری، این نوع معین کمونیسم، جلوتر میآید و موقعیت تازه ای پیدا میکند و انتخاب جامعه میان چپ و راست ساده تر صورت میگردد. کمونیسم جهان سومی، که توقعی برای حضور در گود استخر سیاسی نداشته است، تمایلی به کسب قدرت از خود نشان نداده است، چهره هایی به جامعه معرفی نکرده است، در کار میدانی حضور واضحی نداشته است و علنی و شفاف خود را در دسترس جامعه نگذاشته است نمیتوانست چنین نقشی ایفا کند.

جمهوری اسلامی سالهای طولانی است که در کنار سرکوب خشن مردم و کمونیست ها، فعالیت های جریانات کمونیستی را نیز به «منافقین» نسبت میدهد، و امروز که بدلیل حضور واضح تر کمونیسم در صحنه

سیاسی جامعه این امکان را ندارد سعی میکند تصویری فرقه ای و غیر اجتماعی از کمونیسم بدهد، گرایش کمونیستی در میان کارگران را انکار کند و رهبران کارگری را بی ربط به جنبش کارگری و زندگی واقعی کارگران نشان بدهد. اما حکومت و رسانه هایش بی آبروتر و منفورتر از آند و وضع رژیم وخیم تر از آن است که ذره ای موفقیت در این زمینه کسب کند، برعکس هر نوع تلاشش برای وارونه جلوه دادن این واقعیت که کمونیسم گرایشی نیرومند در جنبش کارگری و در جامعه امروز ایران است به ضد خود تبدیل میشود.

۱۸ سال قبل منصور حکمت در انجمن مارکس لندن بحث درخشانی داشت تحت عنوان آیا پیروزی کمونیسم در ایران امکانپذیر است؟ و شرایط سیاسی امروز جامعه، بحران جمهوری اسلامی و نقاط قوت و ضعف این سه جنبش را مورد بررسی قرار داد. امروز میتوان به جرات گفت که پیروزی کمونیسم در ایران بیش از هر زمان واقعی و عملی بنظر میرسد. اما اینکار با صرفا آموزش و ترویج ایده های کمونیستی عملی نیست، لازم است اتفاقاتی در صحنه سیاسی جامعه بیفتد که به باوری توده ای تبدیل شود. لازم است توازن قوا میان مردم و حکومت بدرجاتی عوض شود که مردم بتوانند نفسی بکشند، لازم است جنبش کارگری بلوغ پیدا کند، ابعاد گسترده ای بخود بگیرد، با طرح خواست های عمومی مردم و با نشان دادن قدرت اعتصابات و اعتراضاتش به یک وزنه سیاسی در جامعه تبدیل شود و به مرکز صحنه سیاست رانده شود. این اتفاق به

سرعت دارد می افتد. قدم های بزرگی از این مسیر طی شده است. امروز بخش پیشرو طبقه کارگر و فعالین جنبش های دیگر دارند به آن باور می کنند و این توانایی را در طبقه کارگر و حزبش دارند می بینند. درهم آمیختگی کمونیسم و جنبش کارگری نقش مهمی در تقویت هر دو و در ایجاد این فضا داشته است. حاصل این روند تضعیف آلترناتیو راست و جلوتر آمدن آلترناتیو کمونیستی بوده است. این اتفاقی تاریخی و سرنوشت ساز در صحنه سیاسی ایران است.

روشن است که در این مسیر باید خیلی کارها کرد. کمونیسم باید در همه میدان ها، در عرصه جنبش های مختلف حق طلبانه، در عرصه رسانه ای، در زبان و گفتمان و حتی مشغله های خود، در عرصه بین المللی و حتی در عرصه دیپلماسی، جایگاه متفاوتی پیدا کند. آنچه مهم است این است که شیب زمین امروز به نفع این جنبش است. کمونیست ها باید موقعیت مساعد خود و نیروی خود را به رسمیت بشناسند، به خود و نیروی خود باور کنند و با اعتماد بنفس تلاش کنند در همه میدان های مبارزه، در همه جنبش های حق طلبانه، حضور روزمره، راهگشا و فعال داشته باشند، این عرصه ها را تقویت کنند، اعتماد جلب کنند، به سازماندهی تشکل های کارگری و توده ای کمک کنند، رهبران اعتراضات و اعتصابات را بیش از پیش به عملی بودن یک انقلاب کارگری

و کمونیستی متقاعد کنند و در عمل نشان دهند که این نیرو است که شایستگی و توانایی سازماندهی، تقویت و هدایت مبارزات صفحه ۱۴

مختصری در باره ده ها نفر از کسانی که شکنجه شده اند

اسامی ۳۵۲ نفر از کشته شدگان زیر شکنجه تا کنون تهیه شده است

تهیه و تنظیم: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی سیاسی

طی چهار دهه گذشته افراد بسیاری به اشکال مختلف توسط جمهوری اسلامی کشته شده اند. هیچ آمار رسمی در این مورد وجود ندارد. گفته میشود ده ها هزار و یا بیشتر اعدام شده اند. صد ها نفر ترور شده اند و همچنین عده ای زیر شکنجه جان باخته اند که لیست ۳۵۲ نفر از آنها تا کنون تهیه شده است.

<http://cfppi.org/2019/01/31/%D9%84%DB%8C%D8%B3%D8%AA-%D8%AC%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7%D8%AE%D8%AA%DA%AF%D8%A7%D9%86-%D8%B2%DB%8C%D8%B1-%D8%B4%DA%A9%D9%86%D8%AC%D9%87/?lang=fa>

در لینک بالا اسامی صدها نفر از کشته شدگان زیر شکنجه قابل مشاهده است. در لیست زیر اسامی کسانی که اطلاعات بیشتری در مورد آنها داشته ایم را درج کرده ایم.

از همه خانواده ها، دوستان و آشنایان افرادی که زیر شکنجه کشته شده اند تقاضا داریم که برای کامل کردن این لیست کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را یاری کنند و اطلاعات خود در مورد کسانی که زیر شکنجه کشته شده اند برای ما ارسال دارند. با تشکر از کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی که این لیست را گردآوری و در اختیار نشریه انترناسیونال قرار دادند.

- علی اکبر سعیدی سیرجانی**، ادیب، پژوهشگر، نویسنده و فعال سیاسی اهل ایران و از منتقدان جمهوری اسلامی پس از انقلاب بود. وی در پی نگارش نامه‌هایی انتقادی به رهبر جمهوری اسلامی، خامنه‌ای، در ۲۳ اسفند ۱۳۷۲، خارج از منزلش توسط مأمورین وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بازداشت شد و پس از نه ماه، بدون هیچ ملاقات یا خبری از محل زندانی بودن او، در ۴ آذرماه ۱۳۷۳ و با استعمال شیف پتاسیم توسط سعید امامی در زندان به قتل رسید.
- فرشته علیزاده**، فعال دانشجویی دانشگاه الزهرا که در میان درگیری‌های پس از حمله شبه‌نظامیان انصار حزب‌الله و پلیس به خوابگاه دانشجویان در کوی دانشگاه تهران در وقایع ۱۸ تیر ۱۳۷۸ ناپدید شد.
- سعید زینالی**، دانشجویی بود که در جریان اعتراضات دانشجویی پس از حمله به کوی دانشگاه در تیر ۱۳۷۸ توسط نیروهای امنیتی در منزل بازداشت شد و تاکنون خبری از وی به دست نیامده است.
- اکبر محمدی**، یکی از فعالان دانشجویی بود که از سال ۱۳۷۸ و در پی اعتراضات دانشجویی تیرماه ۱۳۷۸ تهران دستگیر، شکنجه و زندانی شد. او در ۸ مرداد ۱۳۸۵ پس از چند روز اعصاب غذای خشک در زندان اوین به صورت مشکوکی درگذشت.
- امیرحسین حشمت ساران**، دبیرکل «جبهه اتحاد ملی ایران» بود. وی در سال ۱۳۸۲ به اتهام تشکیل این حزب دستگیر و به هشت سال حبس محکوم شد، وی در دوران حبس مجدداً محاکمه و به هشت سال حبس دیگر محکوم گردید و به دلیل شدت ضربات وارده در بازداشت به سر و تزیق داروهای مشکوک، پس از ۴۸ ساعت کما، در ۱۶ اسفند ۱۳۸۷ در بیمارستان رجایی کرج درگذشت.
- زهرا کاظمی**، خبرنگار کانادایی - ایرانی‌تبار بود که در مسافرتی به قصد تهیه گزارش در ایران، هنگام ناآرامی‌ها و اعتراضات دانشجویی، به جرم عکس‌برداری حین تجمع برخی از خانواده‌های زندانیان در مقابل زندان اوین، بازداشت در ۲۰ تیر ۱۳۸۲ در زندان درگذشت.
- زهرا بنی یعقوب**، پزشک ایرانی که در بازداشتگاه ستاد امر به معروف و نهی از منکر شهر همدان درگذشت. او در ۲۰ مهر ۱۳۸۶ در حین صحبت با نامزدش در یکی از پارک‌های همدان توسط نیروهای بسیج دستگیر و به بازداشتگاه ستاد امر به معروف و نهی از منکر شهر همدان فرستاده شده بود. پس از ۴۸ ساعت، خانواده‌اش که برای آگاهی از وضعیتش به نیروی انتظامی همدان مراجعه کرده بودند با خیر مرگ وی روبرو شدند. بر طبق گزارش‌های حکومتی، خانم زهرا بنی یعقوب در زندان در شب بازداشت خودکشی کرده‌است. در صورتیکه خانواده وی و برخی از رسانه‌های خارجی قتل توسط ضرب و شتم در بازداشت را عامل مرگش دانسته‌اند.
- ابراهیم لطف‌اللهی**، دانشجوی دانشگاه پیام نور در شهر سنندج بود که در بازداشتگاه نیروی انتظامی در ۲۵ دی ماه ۱۳۸۶ درگذشت. وی دانشجوی سال چهارم رشته حقوق دانشگاه پیام نور سنندج بود، که پس از دستگیری در جلوی دانشگاه به بازداشتگاه فرستاده شده بود و در همان بازداشتگاه جان باخته بود.
- کاوه عزیزپور**، یک زندانی سیاسی که ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۷ در سن ۲۵ سالگی در زندان مهاباد درگذشت. به گفته خانواده وی، او تحت شکنجه در زندان دچار ضربه مغزی شده و به کما رفته و تحت عمل جراحی قرار گرفته‌است اما اندکی بعد به زندان منتقل و در حین بازجویی توسط عوامل اطلاعاتی درگذشته است.
- امیدرضا میرصیافی**، فعال فرهنگی و وبلاگ‌نویس ایرانی بود که توسط دادگاه انقلاب ایران به اتهام توهین به خمینی و علی خامنه‌ای به دو سال حبس محکوم گردید. وی در ۲۸ اسفند ۱۳۸۷ (در سن ۲۸ سالگی) در زندان اوین درگذشت.
- محسن دکمه‌چی**، یکی از بازاریان شناخته شده بازار تهران بود که به دلیل کمک به خانواده زندانیان سیاسی توسط وزارت اطلاعات در شهریور ۱۳۸۸ دستگیر و به بند ۲۰۹ زندان اوین و سپس زندان رجایی‌شهر کرج انتقال یافت. دکمه‌چی به بیماری سرطان پانکراس مبتلا بود. وی پیش از این نیز به دلیل کمک به خانواده زندانیان سیاسی تحت فشار قرار گرفته بود.
- جان‌باختگان** اعتراضات به نتیجه انتخابات دهم ریاست‌جمهوری (۱۳۸۸) ایران در زندان
- محسن روح‌الامینی**، ۱۸ تیر ۱۳۸۸ بازداشت شد و در بازداشتگاه کهریزک بر اثر شکنجه کشته شد.
- محمد کامرانی**، ۱۸ تیر ۱۳۸۸ بازداشت شد و در بازداشتگاه کهریزک در روز ۲۵ تیر ماه درگذشت.
- امیر جوادی‌فر**، ۱۸ تیر ۱۳۸۸ بازداشت شد و در بازداشتگاه کهریزک بر اثر شکنجه کشته شد.
- رامین قهرمانی** در بازداشتگاه کهریزک بر اثر شکنجه کشته شد.
- احمد نجاتی**، کارگر از بازداشت‌شدگان بازداشتگاه کهریزک که به دلیل ضرب و شتم در بازداشتگاه بعد از آزادی به دلیل از دست دادن هر دو کلیه کشته شد.
- رامین پوراندراجانی**، پزشک بازداشتگاه کهریزک بود. وی در ساختمان بهداری نیروی انتظامی تهران درگذشت.
- محمدجواد پرنداخ**، دانشجوی سال چهارم مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی اصفهان از فعالین فرهنگ و ادب گرد بود که در شهریور ۱۳۸۸

از صفحه ۱۱

توسط اطلاعات اصفهان بازداشت و به طرز مشکوکی جان باخت.

افشین اسانلو، رئیس پیشین هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و از فعالان کارگری و زندانی سیاسی بود که در زندان رجایی شهر درگذشت. دلیل مرگ وی سخته قلبی اعلام شد.

دهه ۹۰ شمسی

هدی صابر، پژوهشگر، روزنامه‌نگار، فعال ملی مذهبی، زندانی سیاسی و از گردانندگان مجله توقیف شده «ایران فردا» بود وی در ۱۲ خرداد ۱۳۹۰ در حالی که در اوین زندانی بود در اعتراض به مرگ مشکوک هاله سحابی در مراسم تشییع جنازه پدرش عزت‌الله سحابی اعتصاب غذای خود را آغاز کرد و در ۲۱ خرداد، پس از انتقال از زندان به بیمارستان مدرس بر اثر نارسایی قلبی درگذشت، علت مرگ هدی صابر ضرب و شتم از سوی مأموران امنیتی زندان اوین عنوان شده.

ستار بهشتی، کارگر و وبلاگ‌نویس ایرانی بود که در تاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۹۱ توسط پلیس فتا دستگیر شد. او به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی از طریق فعالیت در شبکه اجتماعی و فیس بوک» بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شده بود در مدت بازجویی به شدت از سوی پلیس فتا شکنجه شد و در همین جریان درگذشت

کاووس سیدامامی، فعال محیط زیست و دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق، استاد ارتباطات و مدیرعامل مؤسسه «حیات وحش میراث پارسیان» بود که در ۱۹ بهمن ۱۳۹۶ در زندان اوین درگذشت.

شاهرخ زمانی، نقاش ساختمانی و فعال کارگری بود. وی عضو هیئت مدیره کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری، عضو هیئت بازگشایی سندیکای کارگران ساختمان و نقاشان و زندانی سیاسی نیز بوده‌است. وی در شرایطی که در بند سیاسی زندان رجایی‌شهر کرج پنجمین سال حبس بدون مرخصی خود را سپری می‌کرد، در روز ۲۲ شهریور ۱۳۹۴ در زندان به علت سخته مغزی (به گفته مسئولین زندان) درگذشت.

محمد راجی، یکی از درویش نعمت‌الهی گنابادی بود که در اعتراضات درویش گنابادی طی حوادث و درگیری‌های اول اسفند ماه ۱۳۹۶ در خیابان پاسداران تهران بازداشت و در اثر ضربات بازجویی کشته شد.

وحید صیادی نصیری، زندانی سیاسی که بر اثر صدمات حاصل از اعتصاب غذا در ۲۱ آذر ۱۳۹۷ زندان قم درگذشت. وی نخستین بار در سال ۱۳۹۴ بابت توهین به مقدسات، توهین به رهبری و تبلیغ علیه نظام دستگیر و به ترتیب به تحمل ۵ و ۲ و ۱ در مجموع به ۸ سال حبس محکوم شد او پس از ۶۰ روز از آغاز اعتصاب غذا در زندان لنگرود قم، در ساعت ۸ صبح روز ۲۱ آذر ۱۳۹۷ به خانواده وی اعلام شد

جان‌باختگان اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ در زندان

سینا قنبری جوان ۲۳ ساله دستگیر شده در قرنطینه زندان اوین درگذشت. «مراجع اطلاعاتی» مدعی شدند که خودکشی بوده.

وحید حیدری، جوان ۲۳ ساله اهل اراک، در زندان این شهر درگذشت. در سه‌شنبه ۱۹ دی، دادستان عمومی و انقلاب استان مرکزی، مرگ دومین بازداشتی اعتراض‌ها در ایران را تأیید و ادعا کرد او نیز خودکشی کرده‌است. به نقل از نزدیکان وحید حیدری که در زمان رویت جنازه، روی سر او آثار ضرب و شتم و کبودی دیده شده‌است

آریا روزبهی بابادی، جوانی که جنازه وی در ۱۹ دی در رود کارون پیدا شد. وی در طی تظاهرات دی ماه مفقود شده بود.

سارو قهرمانی، جوان ۲۴ ساله اهل سنندج که در ۱۲ دی دستگیر شد و در تاریخ ۲۳ دی ماه جنازه وی برای دفن سریع به خانواده اش تحویل شد. مادر سارو قهرمانی تأکید کرد که بر روی جنازه او آثار ضرب و شتم وجود داشته‌است.

کیانوش زندی، جوان ۲۴ ساله اهل سنندج که بعد از اعلام خبر کشته شدن سارو قهرمانی، توسط اقوام سارو اعلام شد فردی به نام کیانوش زند نیز همانند سارو در زندان و تحت شکنجه کشته شده‌است که در ۲۳ دی ماه مأموران وزارت اطلاعات با مراجعه به خانه کیانوش زندی، مادر او را برای دفن جسد در

قبری که از پیش در در بهشت محمدی سنندج آماده کرده بودند پرده و او را دفن کرده‌اند. براساس گفته خانواده وی، کیانوش در ۱۲ دی مفقود شده بود.

علی پولادی، جوان ۲۶ ساله اهل روستای گویترا از توابع بخش مرزن آباد شهرستان چالوس، به ظن تیراندازی توسط نیروی انتظامی دستگیر و در ۲۳ دی ماه به خانواده وی اعلام شد که برای تحویل جنازه وی مراجعه کنند.

سید شهاب الدین ابطی زاده، جوان ۲۰ ساله اهل اراک که در ۱۲ دی دستگیر شد و جنازه وی در ۲۲ دی در مقابل منزلش رها شد. بر روی بدن شهاب ابطی، جراحاتی دیده می‌شد که بر اثر جراحات باتوم ایجاد شده بود

قاسم عبداللهی، رئیس کل دادگستری استان مرکزی در ۲۷ دی ماه ضمن تأیید پیدا شدن جنازه این فرد در جمعه ۲۲ دی در یک منزل متروکه در حاشیه شهر اراک، اعلام کرد که با بررسی‌های انجام شده، این فرد به دلیل تزریق مواد مخدر جان خود را از دست داده‌است.

مریم (فروزان) جعفرپور، جوان ۲۷ ساله دانشجوی مهندسی برق که به نقل از پدرش، در یکی از تجمع‌های اعتراضات سراسری بازداشت می‌شود و سپس جسد او را پس از کالبدشکافی تحویل خانواده می‌دهند.

طالب بساطی، کارمند اورژانس شهرستان ملکشاهی و دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه ایلام که جنازه وی هشت روز پس از بازداشت در یک‌شنبه ششم اسفند به خانواده وی تحویل شد. به گفته خانواده وی، در گواهی فوت آقای بساطی ذکر شده بود که وی به دلیل «ترومای مغزی» فوت کرده‌است. پس از انتشار اخبار درگذشت وی در رسانه‌ها، نماینده وقت ایلام اعلام کرد که طالب بساطی بعد از ناآرامی‌های دی ماه بازداشت شده و بر اثر سخته در زندان فوت کرده‌است.

علیرضا سیاسی آشتیانی، ز جان‌باختگان دهه شصت. وی اواخر ۱۳۶۰ دستگیر شد. سرانجام در اثر بدرفتاری و شکنجه مأمورین در اسفند ماه ۱۳۶۰ جان باخت. وی یکی از رهبران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بود.

بتول اکبری، ۲۵ سال، دانشجوی مهندسی که در تاریخ ۱۲ دی ۱۳۶۰ زیر شکنجه کشته شدند.

فاطمه ابوالحسنی، دانشجویی که در سن ۲۴ سال در تاریخ ۱۲ اردیبهشت سال ۶۲ در اثر شکنجه در زندان کشته شد.

نجف بنی مهدی، در تیرماه سال ۶۰ دستگیر شد و بعد از یک ماه شکنجه بی وقفه در ساعت هفت شب در آئینه های مراد سال ۶۰ و در زیر شکنجه کشته شد. و همسرش گیتی نیک بخت دانشجوی حقوق دانشگاه تهران همزمان با او دستگیر شد و با اینکه باردار بود بلافاصله به زیر شدیدترین شکنجه برده می‌شود او با تحمل همه شکنجه‌ها در روز چهارشنبه ۱۵ مهر سال ۱۳۶۰ در حالیکه شش ماهه باردار بود اعدام شد.

توکل اسدیان، از اعضا سازمان چریکهای فدایی خلق - اقلیت بود و برای مدتی از مسئولان تبریز بود. توکل اسدیان در بیستم آبان ۱۳۶۰، دستگیر و سیزده روز بیشتر در زندان خرم آباد، زنده نماند. او برای برگزاری مراسم چهلم سیامک اسدیان (اسکندر)، به گرزکل آمده بود. سیامک، برادرزاده توکل بود که تحت تاثیر توکل به مبارزه سیاسی روی آورد. سیامک در گروه دکتر اعظمی عضو بود و بعدها به اقلیت پیوست. شب پیش از برگزاری مراسم، منطقه گرزکل محاصره شد و اکثر جوانانی که آن جا بودند بازداشت شدند. توکل نیز دستگیر شد.

او در زندان خرم آباد در یک صحنه آتش سوزی جان باخت. مسئولین زندان دلیل مرگ وی را خودسوزی اعلام کردند که این ادعای بیش نبود زیرا توکل اسدیان در دوران پهلوی نیز از زندانیان سیاسی بود که پس از تحمل فشارها و شکنجه‌های سخت از طرف ساواک، در انقلاب ۵۷ با باز شدن درب زندانها توسط مردم، آزاد شد.*

نه قومی
نه مذهبی
حکومت
انسانی

بیانیه کنفرانس نیروهای چپ و کمونیست در کردستان سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت شورایی وظیفه فوری ما است

بحران اقتصادی - سیاسی رژیم اسلامی ایران، مصائب و مشقات ناشی از حاکمیت سرمایه‌داری، رشد جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی و نارضایتی عمیق توده‌های فرودست جامعه، چشم انداز سرنگونی جمهوری اسلامی و برچیده شدن بساط حاکمیت این رژیم از طریق یک انقلاب توده ای را به یک امکان واقعی تبدیل کرده است.

این رژیم در اذهان اکثر مردم ایران حاکمیتی در حال زوال است و لذا یافتن جایگزینی برای آن به دغدغه اصلی بخش عظیمی از جامعه تبدیل شده است. در قبال این روند و برای پاسخ گویی به مسائل گرهی پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و احتمالات پیش رو، صف بندی نیروهای چپ و راست جامعه در ایران و کردستان بیش از پیش عمیق تر و شفافتر شده است. وجود جنبش چپ و کمونیستی از یک سو و جنبش بورژوا - ناسیونالیستی از سوی دیگر به معرفی افقهای مختلف در سطح جامعه انجامیده است. در چنین شرایطی نیروهای مختلف بورژوایی مردم را از انقلاب می ترسانند و برای تغییر حاکمیت سیاسی ایران از بالا و بدور از دخالت دگرگون ساز مردم کارگر و زحمتکش تلاش می کنند.

در کردستان احزاب و نیروهای متعلق به جنبش بورژوا - ناسیونالیستی از هم اکنون تلاش می کنند تصویر خودشان را از روند تغییر ساختار سیاسی در ایران و سرنوشت مبارزه مردم کردستان به افکار عمومی القا کنند و استقرار یک حکومت فدراتیو مبتنی بر نظام پارلمانی را به عنوان مکانیسم دخالت در امور سیاسی و اداره جامعه بعد از سرنگونی رژیم اسلامی به مردم تحمیل

کنند.

چهار دهه مبارزه بی وقفه و حضور قدرتمند سیاسی، اجتماعی و نظامی جنبش کمونیستی و احزاب متعلق به آن در مبارزه بی امان با جمهوری اسلامی، دفاع پیگیرانه از کارگران و زنان و سایر اقشار فرودست جامعه و نقد سیاسی از جنبشهای بورژوایی، چپ را به یک نیروی موثر اجتماعی در کردستان تبدیل کرده است. امروز چپ اجتماعی و چپ متحزب که حضور آن در مبارزات کارگران و زنان و جوانان در عرصه های مختلف اعتراض اجتماعی در شهرهای کردستان قابل مشاهده است، یک نیروی موثر و تعیین کننده در کردستان است. بنابر این قدرت نیروی چپ در کردستان هم اکنون عقب راندن و برچیدن حاکمیت رژیم اسلامی در هماهنگی با جنبش سرنگونی رو به گسترش سراسری را به طرز آشکاری در چشم انداز تحولات جاری قرار داده است. در چنین شرایطی ارائه یک آلترناتیو سوسیالیستی از طرف نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، که در آن تصویر روشنی از معنای سرنگونی جمهوری اسلامی، چگونگی پیروزی، شکل شرکت مستقیم توده‌های مردم کردستان در حاکمیت سیاسی و اداره جامعه و تحقق خواستها و مطالبات مردم کارگر و زحمتکش بدست داده شده باشد، مبرمیت پیدا کرده است.

بر این اساس و در پاسخ به این نیاز ما امضا کنندگان این بیانیه حول محورهای زیر وارد تلاش مشترک جهت شکل دادن به یک قطب چپ و سوسیالیستی در کردستان

میشویم:

۱- پیشبرد و هدایت مبارزه همه جانبه برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی، سازماندهی و تلاش موثر برای در هم شکستن نیروها و نهادهای رژیم و برچیدن حاکمیت سیاه آن در کردستان حلقه ای موثر از جنبش سرنگونی انقلابی سراسری است.

۲- ما در برابر نیروهایی که در تلاش اند سرنوشت مردم کردستان را به سیاست دولتهای امپریالیستی گره بزنند، بر مبارزه و همسرنوشتی مردم کردستان با توده های مردم در سراسر ایران تاکید میکنیم. مبارزات کارگران و توده مردم در کردستان پیوستگی تنگاتنگی با مبارزات سراسری مردم ایران دارد و نهایتا با سرنگونی جمهوری اسلامی به پیروزی خواهد رسید.

۳- این امکان وجود دارد که بساط حکومت در کردستان پیش از سایر نقاط ایران برچیده شود. اما سقوط و در هم شکستن نیروها و نهادهای حکومت مرکزی و عقب نشینی آنان پایان کار نیست. ما در این شرایط برای تشکیل ارگان های قدرت توده‌ای در شهر و روستا مبارزه میکنیم و بر حاکمیت شورایی و اعمال اراده مستقیم مردم در کردستان تاکید میکنیم. سازماندهی شوراها در حال حاضر به عنوان ابزار مبارزه و با ساقط شدن جمهوری اسلامی به مثابه ارگان اعمال اراده مستقیم توده‌ای، وظیفه فوری هر فعال جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی پیشرو و امر عاجل هر حزب و جریان چپ و کمونیست است.

۴- پیروزی آلترناتیو

سوسیالیستی در گرو در هم شکستن قطعی قدرت دولت مرکزی، پیشروی طبقه کارگر، جنبش و احزاب کمونیستی در خلع ید از بورژوازی و کسب قدرت سیاسی و استقرار حکومت کارگری در سطح سراسری است. سهل ترین و کم دردسر ترین راه حفظ دستاوردهای مبارزه مردم در کردستان پیوند با یک انقلاب و جنبش سرنگونی در سطح ایران است.

۵- شرط لازم پیشروی مبارزه انقلابی و اعمال قدرت مردم کردستان جدایی توده‌های کارگر و زحمتکش از استراتژی و سیاست های احزاب بورژوا - ناسیونالیستی در کردستان و تقویت استراتژی سوسیالیستی در مقیاس اجتماعی است. انجام این امر در گرو پیشروی جنبشهای اعتراضی و دگرگونی های واقعی در زندگی اجتماعی توده های مردم کردستان میباشد.

۶- ما در مقابل طرحها و سیاست دخالتگرانه قدرتهای جهانی و متحدان منطقه‌ای آنها برای تحمیل آلترناتیو راست بر روند تحولات سیاسی در ایران و کردستان، می ایستیم. هر نوع طرح و آلترناتیوی از بالای سر مردم را مردود می دانیم و مجدانه برای به انزوا کشاندن آن میکوشیم.

۷- احزاب بورژوایی در کردستان تلاش میکنند سیاست های خود را در قالب یک ساختار فدرالیستی بعد از سرنگونی رژیم اسلامی به مردم تحمیل کنند. چنین سناریویی به معنی ادامه محرومیت و بیحقوقی مردم کردستان است. تجربه نشان داده است فدرالیسمی که از جانب نیروهای بورژوا -

ناسیونالیست طرح میشود راه حلی برای رفع ستم ملی و مسئله کرد نیست. ما هر نوع طرحی که ستمگری بر مردم کردستان را باقی بگذارد و به تفرقه میان مردم دامن بزند مردود دانسته و در مقابل آن می ایستیم.

۸ - ستمگری ملی همراه با وحشیانه ترین شیوه های سرکوب از جانب رژیمهای سرکوبگر سلطنتی و جمهوری اسلامی مصائب فراوانی را بر مردم کردستان تحمیل کرده است. ما خواهان رفع فوری ستم ملی و حل مسئله کرد هستیم. برای این مهم نتیجه تصمیم آزادانه مردم کردستان به معنی جدایی و یا ماندن در چهار چوب ایران با تامین و تضمین حقوق مساوی را برسمیت میشناسیم. ما هر نوع اقدام قهرآمیز و نظامی برای جلوگیری از تصمیم مردم کردستان و یا برسمیت نشناختن نتیجه آن با دستاویز "حفظ تمامیت ارضی" و مقابله با "تجزیه طلبی" و یا هر توجیه دیگری را قویا محکوم و مردود اعلام میکنیم. ما در عین حال بر همبستگی و همسرنوشتی مبارزاتی مردم کردستان با مردم آزادیخواه و ستم دیده در سراسر ایران تاکید می کنیم.

۹- از آنجا که رژیمهای سرکوبگر، حقوق و آزادیهای اولیه مردم کردستان را با لشکر کشی و زور و سرکوب پایمال می کنند، مردم حق دارند برای دفاع از خود دست به اسلحه بزنند و از حقوق، حرمت و کرامت انسانی خود در مقابل هر نیروی سرکوبگری دفاع نمایند. حق دارند مسلح شوند و نیروی مسلح سازماندهی شده تحت هدایت نهادها و شوراهای مردمی را سازمان دهند.

۱۰- ما به عنوان نیروهای

از صفحه ۱۳

بیانیه کنفرانس نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

انترناسیونالیست، که تقویت همبستگی کارگران و توده های زحمتکش و ستمدیده را امر خود میدانیم، از مبارزات آزادیخواهانه مردم کردستان در عراق، ترکیه و سوریه برای آزادی، رفع ستم ملی و علیه فقر و نابرابری اجتماعی دفاع میکنیم. این امر محور سیاست و خط مشی ما در قبال مسئله کرد به عنوان یک مسئله منطقه‌ای است.

۱۱- ما امضا کنندگان این بیانیه تلاش میکنیم، برای پیشبرد جهت گیریهای ذکر شده و هماهنگ کردن فعالیتها و اقدامات مشترک مکانیزم لازم را ایجاد و اسناد ضروری را تصویب نماییم.

۱۲- ما کارگران، مردم آزادیخواه و برابری طلب در کردستان را فرا میخوانیم که خیزش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را همدوش

و همراه مردم ایران با قدرت و قاطعیت به پیش ببرند و در این مسیر بر استقرار حاکمیت شورائی در کردستان و سراسر ایران بکوشند. در این راستا همه آزادیخواهان و فعالین چپ و سوسیالیست را فرا میخوانیم به این تلاشاً مشترک ما بپیوندند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

برقرار باد حاکمیت شورائی!

زنده باد سوسیالیسم!

۲۷ ژانویه ۲۰۱۹

**روند سوسیالیستی
کومه له**

**کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران**

**کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران -
حکمتیست**

**کومه له - سازمان
کردستان حزب کمونیست
ایران**

دستگیری جعفر عظیمزاده و پروین محمدی محکوم است!

چندان شده باید هر نوع پاپوش دوزی و پرونده سازی و امنیتی کردن فعالیت متشکل خاتمه یابد! کارگران و معلمان حق دارند علیه فقر و فلاکت و احقاق مطالباتشان متشکل شوند و اعتراض کنند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی همه فعالین کارگری، معلمان، دانشجویان و همه انسانهای شریف را به گسترش دفاع از زندانیان سیاسی و خانواده نگران آنها فرامیخواند. باید نقشه‌های شوم جمهوری اسلامی را با افشاگری و جلب پشتیبانی وسیع بین‌المللی خنثی کنیم!

جعفر عظیمزاده، پروین محمدی، اسماعیل بخشی، اسماعیل عبدی و همه رهبران کارگری و معلمان باید بی‌درنگ از زندان آزاد شوند!

**کمیته مبارزه برای آزادی
زندانیان سیاسی
۹ بهمن ۱۳۹۷
۲۹ ژانویه ۲۰۱۹**

امروز سه شنبه ۹ بهمن‌ماه جعفر عظیمزاده دبیر اتحادیه آزاد کارگران ایران و پروین محمدی نایب رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی دستگیر و به مکان نامعلومی برده شده‌اند. جمهوری اسلامی در هراس از شعله‌ورتر شدن اعتراضات کارگری، رهبران محبوب و شناخته شده کارگری را دستگیر می‌کند، به این خیال واهی که با ایجاد ترس و ارعاب میلیونها کارگری و مردمی را که به فقر و فلاکت کشانده است ساکت کند!

مدتهاست مبارزات بی‌امان کارگران برای احقاق مطالبات به حقشان پاسخ جمهوری اسلامی را در خیابانها و مراکز کارگری می‌دهد.

جمهوری اسلامی به ته خط رسیده است! وحشت سراپای حکومت را فرا گرفته است! دستگیری رهبران کارگری، رهبران معلمان، بیم و هراس حکومت را بیش از پیش نشان می‌دهد! این دستگیری‌ها آتش خشم جامعه عصیان‌زده را شعله‌ورتر خواهد کرد! عزم جامعه برای رهایی کلیه زندانیان سیاسی، و خراب کردن بساط زندانهای سیاسی دود

از صفحه ۱۰

چشم انداز پیروزی ...

و کمونیستی متقاعد کنند و در عمل نشان دهند که این نیرو است که شایستگی و توانایی سازماندهی، تقویت و هدایت مبارزات کارگری و توده ای را دارد. این نیرو است که در مقابل نقشه های گمراه کننده

احزاب و گروههای دست راستی و ناسیونالیست و قومپرست راه اتحاد مردم را نشان میدهد و میتواند آینده کشور را بسازد. محورها و عرصه های فعالیت زیاد است و باید در همه آنها نقش بارزی ایفا کرد اما مساله کلیدی در این مقطع تشخیص این موقعیت و روی آوری هرچه گسترده تر فعالین کارگری و فعالین جنبش های حق طلبانه دیگر به تحزب کمونیستی است. طبقه کارگر برای پیشروی و کسب قدرت لازم است در صحنه سیاسی حضور تعیین کننده داشته باشد و کلید این مساله تحزب است. راه دیگری مقابل طبقه کارگر نیست.*

دستگیری محمد خنیفر از نیشکر هفت تپه را محکوم میکنیم

بازداشت اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، علی نجاتی و دستگیری محمد خنیفر باید قاطعانه پاسخ سرکوبگری های حکومت اسلامی را داد.

**مرگ بر جمهوری
اسلامی سرمایه داران!
پیش بسوی ایجاد
شوراها!**

**حزب کمونیست کارگری
ایران
۷ بهمن ۱۳۹۷، ۲۷ ژانویه**

شورای اسلامی در این شرکت بروشنی وحشت حکومت از به میدان آمدن مجدد کارگران نیشکر هفت تپه را بازتاب میدهد.

حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکومیت بازداشت محمد خنیفر و احضار کارگران نیشکر هفت تپه و ایجاد فضای امنیتی در این شرکت، خواستار حمایت وسیع مردم شوش و تمامی بخش های جامعه از کارگران نیشکر هفت تپه است. با اعتصابات اختطاری در تمام مراکز کارگری، با تجمعات اعتراضی و اعتراض علیه ادامه

کارگران نیشکر هفت تپه پاسخ نگرفته است. این وضعیت بهیچ وجه از نظر کارگران و مردم قابل قبول نیست. گستاخی حکومت منفور اسلامی سرمایه داران علیه کارگران نیشکر هفت تپه و ادامه زندانی کردن اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و علی نجاتی، و احضار و دستگیری اخیر نمایندگان کارگران تعرضات نفرت انگیز حکومت اسلامی سرمایه داران علیه همه کارگران است و با ادامه مبارزه و اعتراض و کارزارهای گسترده پاسخ خواهد گرفت. این تعرضات و از جمله مضحکه برپا کردن

دیده شده است. اما محمد خنیفر بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است. این درحالیست که احضار کارگران به ستاد خبری اداره اطلاعات شوش همچنان ادامه دارد.

جمهوری اسلامی با این احضارها و دستگیریها و چنگ و دندان نشان دادن، خشم و نفرت همه کارگران و مردم را علیه خود شدت میدهد. اسماعیل بخشی نماینده محبوب کارگران به دلایل غیرقابل موجهی برای بار دوم در زندان نگه داشته شده است و بسیاری از خواسته‌های

دنبال اعتصاب اختطاری کارگران نیشکر هفت تپه در روز پنجم بهمن ماه در اعتراض به ادامه بازداشت اسماعیل بخشی و پخش "مستند طراحی سوخته" از صدا و سیمای جمهوری اسلامی و خبر حضور اسدیگی در شرکت، حوالی ظهر روز شش بهمن ماه دو نفر از کارگران به اسامی محمد خنیفر و ایمان اختری از نمایندگان مجمع کارگران به اطلاعات شوش احضار شدند. به گزارش منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران ایمان اختری امروز هفتم بهمن ماه در محل کار

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری پیرامون بحران در ونزوئلا ونزوئلا به کدام سو میرود؟

ونزوئلا بار دیگر شاهد عمیق ترین بحران اقتصادی و سیاسی است. رکود و کساد همه جانبه اقتصادی، ابرتورم و افزایش تصاعدی و بی سابقه قیمت‌ها، بیکاری و قحطی مواد غذایی و دارویی عملاً جامعه را در حالت فلج اقتصادی قرار داده است. از نظر سیاسی نیز کشمکش‌های موجود، طبقه حاکمه و حکومت را به دو جناح متخاصم تقسیم و حاکمیت را فلج کرده است. دو "رئیس جمهور"، دو جناح در حاکمیت، که هر کدام به بخش‌های از ارگان‌های طبقه حاکمه چنگ زده اند. این قطب بندی درون طبقه حاکمه در ونزوئلا بازتاب جهانی خود را نیز پیدا کرده است. دولت‌های غربی در دفاع از خوان گویادو، "رئیس جمهور" جناح ناسیونالیست پرو غرب و دولت‌های روسیه و چین و ترکیه و جمهوری اسلامی در کنار نیکلاس مادورو، رئیس جمهور جناح ناسیونالیست ضد آمریکایی حاکمیت به خط شده اند.

ماهیت این بحران اقتصادی و سیاسی و قطب بندیها چیست؟ ونزوئلا به کدام سو میرود؟ ونزوئلا در یک فلج سیاسی-اقتصادی بسر میرود. ۱۰ درصد جمعیت کشور ۳۰ میلیونی ونزوئلا در سال‌های اخیر برای فرار از فقر و فلاکت اقتصادی و قحطی

مواد غذایی و دارویی آواره کشورهای همسایه شده اند. صندوق بین المللی پول نرخ تورم در سال جاری میلادی را ۱۰ میلیون درصد تخمین زده است. کشمکشها و تظاهرات خیابانی دستجات رقیب و اعتراضات بحق توده مردم جامعه را در یک دوران پر تلاطم قرار داده است.

حزب کمونیست کارگری در قبال این وضعیت ویژه بر نکات زیر تاکید میکند:
۱- مردم حق دارند که در مقابل وضعیت فلاکت‌ناپذیر اقتصادی و محدودیت آزادی‌های سیاسی و فردی دست به اعتراض بزنند. مردم حق دارند در مقابل حکومت مادورو که مسبب فقر و فلاکت و قحطی و قیمت‌های نجومی است دست به تظاهرات بزنند و خواهان تغییرات بنیادی در وضعیت اقتصادی و سیاسی موجود باشند. مردم حق دارند برای رفاه و برابری و تامین اجتماعی و سیاسی به خیابانها بیایند. ما از "نه" مردم در مقابل وضعیت موجود و اعتراض حق طلبانه آنها برای برخورداری از یک زندگی شایسته انسان قرن بیست و یکم دفاع میکنیم.
۲- بر خلاف ادعاهای مدافعین و مبلغین حاکمیت

چاوز-مادورو، این حکومت کوچکترین ربطی به سوسیالیسم و کارگر و توده مردم زحمتکش و کارکن نداشته و ندارد. به لحاظ سیاسی این حکومت نماینده گرایش ناسیونالیسم ضد آمریکایی و به لحاظ اقتصادی مدافع و متکی بر نوعی اقتصاد سرمایه داری دولتی و بوروکراتیک است. این اقتصاد اکنون بطور همه جانبه به بن بست رسیده و ورشکسته شده است. بحرانهای ادواری که بر اثر دخالت دولت در اقتصاد در دوران اولیه حاکمیت چاوز به عقب زده شده بود، بیکاری‌های پنهان شده، قیمت‌های دولتی و صنایع دولتی شده و سوبسید گرفته در سالهای اخیر جای خود را به فلج اقتصادی، بیکاری میلیونی، تورم سرسام آور و صنایع عاقل مانده داده است. این وضعیت اقتصادی سرمایه داری دولتی و بوروکراتیک در ونزوئلا است.

۳- جناح ناسیونالیسم پرو غربی به رهبری خوان گویادو، نماینده "نه" مردم در مقابل وضعیت فاجعه بار موجود نیست، برعکس گرایشی عمیقاً ارتجاعی و دست راستی است. سیاست‌های اقتصادی و سیاسی این جناح

حاکمه نیست. جدال سیاسی در ونزوئلا صرفاً دارای دو جناح نیست. توده های زحمتکش مردم جناح دیگری، جناح سومی را تشکیل میدهند. در این جدال ما مدافع جناح سوم، مدافع اعتراض بحق مردم، مدافع رفاه و عدالت اجتماعی و نابودی فقر و فلاکت و محرومیت توده های مردم، مدافع آزادی و برابری همگان هستیم. این نیرو اگر چه در حال حاضر دارای نمایندگی سیاسی بارز و آشکاری نیست، اما هر درجه پیشرفت و سعادت مردم در گرو متشکل شدن و شکل گیری اردوی کمونیسم و کارگر در تقابل با وضعیت موجود است. سعادت و خوشبختی و آینده روشن در ونزوئلا در گرو تحرک و تلاش این نیرو است.

حزب کمونیست کارگری همه مردم آزادیخواه و بشریت متمدن را به مقابله با سناریوی وحشتناکی که هر دو جناح طبقه حاکمه و متحدین بین المللی شان در مقابل مردم فقر زده ونزوئلا قرار داده است، فرا میخواند.

حزب کمونیست

کارگری ایران

۷ بهمن ۱۳۹۷، ۲۷ ژانویه

۲۰۱۹

۴- تلاش‌های مذبوحانه هر دو جناح طبقه حاکمه بمنظور لشگرکشی از جامعه و نیروهای مسلح و دستجات میلیتاریستی در حمایت از یک جناح و باز کردن پای دول مرتجع جهان در تحولات جاری، و کشتار شدن این کشمکشها میتواند شیرازه جامعه ونزوئلا را در هم شکسته و مردم را اسیر یک سناریوی خونین و دهشتناک کند. تهدیدهای ترامپ مبنی بر انتخاب گزینه نظامی گوشه ای از آینده سیاهی است که این نیروها در برابر جامعه قرار داده اند. این وضعیت در صورت تداوم میتواند ونزوئلا را به عراق دیگری در آمریکای لاتین تبدیل کند.

۵- تظاهرات و اعتراضات خیابانی تنها لشگرکشی دو جناح حاکم بمنظور یکسره کردن وضعیت بحرانی حاضر به نفع یک جناح طبقه

سوسیالیسم را در ایران برقرار خواهیم کرد

جامعه ایران تشنه عدالت و برابری است. تشنه رفاه است تشنه رفع هر نوع تبعیض و هر نوع شکاف طبقاتی است. تشنه نظامی است که یک اقلیت مفتخور صاحب همه چیز نباشند، اکثریت کار کنند و این اقلیت پرور شود. یک مشت آقازاده و پورشه دار باشند و اکثریت از رفاه و تفریح و امکانات تحصیلی و مسکن مناسب بی بهره باشند. مردم اینرا در شعارهایشان فریاد میزنند، در افشاگری‌هایشان علیه مفتخوران حاکم میگویند و در بیانیه‌هایشان مینویسند. قرار نیست اینهمه اعتصاب و اعتراض، اینهمه قربانی دادن و زندان کشیدن، اینهمه تلاش برای یک زندگی انسانی حاصلش فقط رفتن جمهوری اسلامی باشد و بار دیگر اقلیتی صاحب مالکیت و امتیازات فراوان باشند و بر اکثریت حکومت کنند. نه دیگر قرار نیست اینطور باشد. نمیگذاریم اینطور بشود. نیروی انسانی کافی برای ساختن جامعه ای انسانی، جامعه ای برابر، جامعه ای که همه از رفاه برخوردار باشند، یک جامعه سوسیالیستی که امکانات تولیدی اش به همه بطور یکسان تعلق دارد، وجود دارد. اینرا تضمین میکنیم. جامعه ایران تشنه سوسیالیسم است.

بیانیه کنفرانس نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت شورایی وظیفه فوری ما است

بحران اقتصادی - سیاسی رژیم اسلامی ایران، مصائب و مشقات ناشی از حاکمیت سرمایه‌داری، رشد جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی و نارضایتی عمیق توده‌های فرودست جامعه، چشم انداز سرنگونی جمهوری اسلامی و برچیده شدن بساط حاکمیت این رژیم از طریق یک انقلاب توده ای را به یک امکان واقعی تبدیل کرده است.

این رژیم در اذهان اکثر مردم ایران حاکمیتی در حال زوال است و لذا یافتن جایگزینی برای آن به دغدغه اصلی بخش عظیمی از جامعه تبدیل شده است. در قبال این روند و برای پاسخ گویی به مسائل گرهی پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و احتمالات پیش رو، صف بندی نیروهای چپ و راست جامعه در ایران و کردستان بیش از پیش عمیق تر و شفافتر شده است. وجود جنبش چپ و کمونیستی از یک سو و جنبش بورژوا - ناسیونالیستی از سوی دیگر به معرفی افقهای مختلف در سطح جامعه انجامیده است. در چنین شرایطی نیروهای مختلف بورژوایی مردم را از انقلاب می ترسانند و برای تغییر حاکمیت سیاسی ایران از بالا و بدور از دخالت دگرگون ساز مردم کارگر و زحمتکش تلاش می کنند.

در کردستان احزاب و نیروهای متعلق به جنبش بورژوا - ناسیونالیستی از هم اکنون تلاش می کنند تصویر خودشان را از روند تغییر ساختار سیاسی در ایران و سرنوشت مبارزه مردم کردستان به افکار عمومی القا کنند و استقرار یک حکومت فدراتیو مبتنی بر نظام پارلمانی را به عنوان مکانیسم دخالت در امور سیاسی و

اداره جامعه بعد از سرنگونی رژیم اسلامی به مردم تحمیل کنند.

چهار دهه مبارزه بی وقفه و حضور قدرتمند سیاسی، اجتماعی و نظامی جنبش کمونیستی و احزاب متعلق به آن در مبارزه بی امان با جمهوری اسلامی، دفاع پیگیرانه از کارگران و زنان و سایر اقشار فرودست جامعه و نقد سیاسی از جنبشهای بورژوایی، چپ را به یک نیروی موثر اجتماعی در کردستان تبدیل کرده است. امروز چپ اجتماعی و چپ متحزب که حضور آن در مبارزات کارگران و زنان و جوانان در عرصه های مختلف اعتراض اجتماعی در شهرهای کردستان قابل مشاهده است، یک نیروی موثر و تعیین کننده در کردستان است. بنابر این قدرت نیروی چپ در کردستان هم اکنون عقب راندن و برچیدن حاکمیت رژیم اسلامی در هماهنگی با جنبش سرنگونی رو به گسترش سراسری را به طرز آشکاری در چشم انداز تحولات جاری قرار داده است.

در چنین شرایطی ارائه یک آلترناتیو سوسیالیستی از طرف نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، که در آن تصویر روشنی از معنای سرنگونی جمهوری اسلامی، چگونگی پیروزی، شکل شرکت مستقیم توده‌های مردم کردستان در حاکمیت سیاسی و اداره جامعه و تحقق خواستها و مطالبات مردم کارگر و زحمتکش بدست داده شده باشد، مبرمیت پیدا کرده است.

بر این اساس و در پاسخ به

این نیاز ما امضا کنندگان این بیانیه حول محورهای زیر وارد تلاش مشترک جهت شکل دادن به یک قطب چپ و سوسیالیستی در کردستان میشویم:

۱- پیشبرد و هدایت مبارزه همه جانبه برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی، سازماندهی و تلاش موثر برای در هم شکستن نیروها و نهادهای رژیم و برچیدن حاکمیت سیاه آن در کردستان حلقه ای موثر از جنبش سرنگونی انقلابی سراسری است.

۲- ما در برابر نیروهایی که در تلاش اند سرنوشت مردم کردستان را به سیاست دولتهای امپریالیستی گره بزنند، بر مبارزه و همسرنوشتی مردم کردستان با توده های مردم در سراسر ایران تاکید میکنیم. مبارزات کارگران و توده مردم در کردستان پیوستگی تنگاتنگی با مبارزات سراسری مردم ایران دارد و نهایتاً با سرنگونی جمهوری اسلامی به پیروزی خواهد رسید.

۳- این امکان وجود دارد که بساط حکومت در کردستان پیش از سایر نقاط ایران برچیده شود. اما سقوط و در هم شکستن نیروها و نهادهای حکومت مرکزی و عقب نشینی آنان پایان کار نیست. ما در این شرایط برای تشکیل ارگان های قدرت توده‌ای در شهر و روستا مبارزه میکنیم و بر حاکمیت شورایی و اعمال اراده مستقیم مردم در کردستان تاکید میکنیم. سازماندهی شوراها در حال حاضر به عنوان ابزار مبارزه و با ساقط شدن جمهوری اسلامی به

مثابه ارگان اعمال اراده مستقیم توده‌ای، وظیفه فوری هر فعال جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی پیشرو و امر عاجل هر حزب و جریان چپ و کمونیست است.

۴- پیروزی آلترناتیو سوسیالیستی در گرو در هم شکستن قطعی قدرت دولت مرکزی، پیشروی طبقه کارگر، جنبش و احزاب کمونیستی در خلع ید از بورژوازی و کسب قدرت سیاسی و استقرار حکومت کارگری در سطح سراسری است. سهل ترین و کم دردسر ترین راه حفظ دستاوردهای مبارزه مردم در کردستان پیوند با یک انقلاب و جنبش سرنگونی در سطح ایران است.

۵- شرط لازم پیشروی مبارزه انقلابی و اعمال قدرت مردم کردستان جدایی توده‌های کارگر و زحمتکش از استراتژی و سیاست های احزاب بورژوا - ناسیونالیستی در کردستان و تقویت استراتژی سوسیالیستی در مقیاس اجتماعی است. انجام این امر در گرو پیشروی جنبشهای اعتراضی و دگرگونی های واقعی در زندگی اجتماعی توده های مردم کردستان میباشد.

۶- ما در مقابل طرحها و سیاست دخالتگرانه قدرتهای جهانی و متحدان منطقه‌ای آنها برای تحمیل آلترناتیو راست بر روند تحولات سیاسی در ایران و کردستان، می ایستیم. هر نوع طرح و آلترناتیوی از بالای سر مردم را مردود می دانیم و مجدانه برای به انزوا کشاندن آن میکوشیم.

۷- احزاب بورژوایی در کردستان تلاش میکنند

سیاست های خود را در قالب یک ساختار فدرالیستی بعد از سرنگونی رژیم اسلامی به مردم تحمیل کنند. چنین سناریویی به معنی ادامه محرومیت و بیحقوقی مردم کردستان است. تجربه نشان داده است فدرالیسمی که از جانب نیروهای بورژوا - ناسیونالیست طرح میشود راه حلی برای رفع ستم ملی و مسئله کرد نیست. ما هر نوع طرحی که ستمگری بر مردم کردستان را باقی بگذارد و به تفرقه میان مردم دامن بزند مردود دانسته و در مقابل آن می ایستیم.

۸ - ستمگری ملی همراه با وحشیانه ترین شیوه های سرکوب از جانب رژیمهای سرکوبگر سلطنتی و جمهوری اسلامی مصائب فراوانی را بر مردم کردستان تحمیل کرده است. ما خواهان رفع فوری ستم ملی و حل مسئله کرد هستیم. برای این مهم نتیجه تصمیم آزادانه مردم کردستان به معنی جدایی و یا ماندن در چهار چوب ایران با تاملین و تضمین حقوق مساوی را برسمیت میشناسیم. ما هر نوع اقدام قهرآمیز و نظامی برای جلوگیری از تصمیم مردم کردستان و یا برسمیت نشناختن نتیجه آن با دستاویز "حفظ تمامیت ارضی" و مقابله با "تجزیه طلبی" و یا هر توجیه دیگری را قویا محکوم و مردود اعلام میکنیم. ما در عین حال بر همبستگی و همسرنوشتی مبارزاتی مردم کردستان با مردم آزادیخواه و ستم دیده در سراسر ایران تاکید می کنیم.

۹- از آنجا که رژیمهای سرکوبگر، حقوق و آزادیهای اولیه مردم کردستان را با لشکر کشی و زور و سرکوب پایمال می کنند، مردم حق

از صفحه ۱۶

دارند برای دفاع از خود دست به اسلحه ببرند و از حقوق، حرمت و کرامت انسانی خود در مقابل هر نیروی سرکوبگری دفاع نمایند. حق دارند مسلح شوند و نیروی مسلح سازماندهی شده تحت هدایت نهادها و شوراهای مردمی را سازمان دهند.

۱۰- ما به عنوان نیروهای انترناسیونالیست، که تقویت

همبستگی کارگران و توده های زحمتکش و ستمدیده را امر خود میدانیم، از مبارزات آزادیخواهانه مردم کردستان در عراق، ترکیه و سوریه برای آزادی، رفع ستم ملی و علیه فقر و نابرابری اجتماعی دفاع میکنیم. این امر محور سیاست و خط مشی ما در قبال مسئله کرد به عنوان یک مسئله منطقه‌ای است.

۱۱- ما امضا کنندگان این

بیانیه تلاش میکنیم، برای پیشبرد جهت گیریهای ذکر

شده و هماهنگ کردن فعالیتها و اقدامات مشترک مکانیزم لازم را ایجاد و اسناد ضروری را تصویب نماییم.

۱۲- ما کارگران، مردم آزادیخواه و برابری طلب در کردستان را فرا می خوانیم که خیزش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را هم‌دوش و همراه مردم ایران با قدرت و قاطعیت به پیش ببرند و در این مسیر بر استقرار حاکمیت شورائی در کردستان و سراسر ایران

بکوشند. در این راستا همه آزادیخواهان و فعالین چپ و سوسیالیست را فرا می خوانیم به این تلاش مشترک ما بپیوندند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

برقرار باد حاکمیت شورائی!

زنده باد سوسیالیسم!
۲۷ ژانویه ۲۰۱۹

روند سوسیالیستی
کومه له

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

دستگیری جعفر عظیم زاده و پروین محمدی دو فعال سرشناس کارگری محکوم است!

نقش جعفر عظیم زاده و پروین محمدی بعنوان دوتن ار هبران مهم و دلسوز اعتراضات کارگری و از مسئولین اتحادیه آزاد کارگران بر کسی پوشیده نیست. فعالیت این دوتن در عین حالی که صدای حق خواهی کارگر را در جامعه طنین انداز کرده همچون خاری در چشم حکومت اسلامی بوده است.

طبق اخباری که از طریق وکیل این دو فعال کارگری محمد علی جداری فروغی منتشر شد، حدود ساعت ۱۷.۳۰ دقیقه روز سه شنبه ۹ بهمن ماه ۱۳۹۷ جعفر عظیم زاده و پروین محمدی در منطقه پردیس کرج بازداشت و به کلانتری ۱۱ فردیس اعزام شدند.

وکیل جعفر عظیم زاده امروز در مصاحبه با ایلنا گفت که آقای عظیم زاده را به زندان اوین منتقل کرده اند و ایشان بر مبنای محکومیت در دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به اتهام دفاع از حقوق کارگران به شش سال زندان محکوم شده است و رژیم اسلامی می‌خواهد او را سالها در زندان نگاه دارد. پروین محمدی البته معلوم نیست به چه اتهامی بازداشت شده و طبق اخباری که ما بدست آورده ایم ایشان را نیز به اوین منتقل کرده اند.

کمیته بین المللی علیه اعدام رفتار سرکوبگرانه حکومت اسلامی در قبال کارگرانی که ماهها حقوق نمیگیرند و وقتی برای متحقق کردن همین خواست مهم و حیاتی به خیابان می‌ایند، آنها را دستگیر و زندانی و شکنجه میکنند، را بشدت محکوم کرده و خواهان اعتراض همگانی به این سرکوبگریها و رفتار خشونت آمیز با کارگران است. ما خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط جعفر عظیم زاده و پروین محمدی، اسماعیل بخشی و سپیده قلیانی و همه کارگران زندانی هستیم.

البته همه مردم ایران میدانند که حکومت اسلامی ایران اخیرا و بدنبال اوج گرفتن اعتراضات گسترده کارگران و بویژه اعتراضات در هفت تپه و فولاد که فضای سیاسی در ایران را تغییر داد و توجه ها را به اعتراضات بحق و مهم کارگران جلب کرد، به تلاشی مذبحخانه برای مقابله با اعتراضات کارگری روی آورده است و از همین رو رهبران و فعالین کارگری را دستگیر می کند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۰ بهمن ۱۳۹۷ / ۳۰ ژانویه ۲۰۱۹

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن!



برنامه شامل:

- کلیپ کوتاهی از مبارزات زنان
- سخنرانی: شیوا محبوبی
- موزیک زنده از گروه هنری کاروان با مسئولیت فریبرز کرمی
- سپس DJ مرهان به همراه عزیزان شرکت کننده برنامه را تا پاسی از شب ادامه فواهر راز.

یوتبوری (سوئد)

شنبه - ۹ مارس ۲۰۱۹، از ساعت ۷ عصر

محل: Folkets Hus Hammarkullen

با اسپورهای ۴، ۸ و ۹ بطرف Angered

غذا و نوشیدنی در محل موجود است.

ورودی ۵۰ کرون

ورودی برای پناهجویان رایگان است.

روز و ساعت این برنامه را بخاطر بسیاری و دوستانتان را نیز

به این برنامه دعوت کنید.

تلفن تماس: عبدالله اسدی 0737178819 (0) 46+

حزب کمونیست کارگری ایران، تشکیلات گوتنبرگ

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

دیدار با سازمان عفو بین الملل (امنستی اینتر نشنال) در کانادا با خواست همبستگی با کارگران زندانی در ایران

آزادی کارگران زندانی در ایران را اعلام کرده است. هیات حاضر در این نشست ضمن تشکر از سازمان عفو بین الملل خواستار اقداماتی فراتر و بطور مثال اعلام یک هفته اقدام اضطراری در همبستگی با جنبش کارگری و کارگران زندانی در ایران شدند.

کمپین برای آزادی
کارگران زندانی
شهلا دانشفر

Shahla.daneshfar2@gmail.com
ail.com
http://free-them-now.com

۹ بهمن ۱۳۹۷، ۲۹ ژانویه
۲۰۱۹

کارگران ایران گزارش دادند. هیات شرکت کننده در این نشست خواستار محکوم کردن سرکوبگری های حکومت اسلامی شده و بر ضرورت اقدامی اضطراری در همبستگی با کارگران زندانی در ایران تاکید کردند. از جمله این هیات خواستار حمایت همه جانبه از کمپین # من هم شکنجه شدم و کيفرخواست اسماعیل بخشی علیه زندان و شکنجه شدند. هیات شرکت کننده در این نشست همچنین در سخنان خود بر ضرورت یک همبستگی بین المللی با کارگران ایران و فشار آوردن

جنبش کارگری اعلام داشتند و بطور مشخص از بازداشت‌هایی که در نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز در دو ماه اخیر صورت گرفته است، از ادامه بازداشت اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه و علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه که بدلیل بیماری شدید قلبی موقتا مرخصی آمده است و سپیده قلیان خبرنگاری که در جریان اعتراضات نیشکر هفت تپه بازداشت شده است و نیز دستگیری امروز جعفر عظیم زاده و پروین محمدی دو تن از رهبران اتحادیه آزاد

امروز سه شنبه بیست و نهم ژانویه، هیاتی متشکل از جریانان سیاسی، با خانم 'فرح خان' نماینده سازمان عفو بین المللی در رابطه با 'مسایل ایران' در دفتر این سازمان در تورنتو در کانادا دیداری داشتند این هیات مرکب بودند از محمود احمدی و جمشید هادیان به نمایندگی از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی، سحر تیمام نماینده کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، رادیو پیام کانادا، کمپین نجات هوشمن علیپور و محمد استاد قادر در این جلسه شرکت کنندگان نگرانی خود را نسبت به تشدید سرکوبگری های حکومت و از جمله دستگیری های اخیر بالاخص در رابطه با

بازداشت جعفر عظیم زاده و پروین محمدی را شدیداً محکوم میکنیم

بازداشت اسماعیل بخشی و سپیده قلیان فرامیخواند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از تمامی سازمانهای کارگری و نهادهای انساندوست انتظار دارد که این دستگیری ها و بساط شکنجه و زندان در ایران محکوم کرده و خواستار آزادی کارگران زندانی، معلمان بازداشتی و تمامی زندانیان سیاسی شوند.

کمپین برای آزادی
کارگران زندانی
شهلا دانشفر

Shahla.daneshfar2@gmail.com
ail.com
http://free-them-

اعتراضات کارگری همواره صدای اعتراض کارگران بوده است، مورد تعرض قرار گرفته و جعفر عظیم زاده و پروین محمدی بازداشت شده اند. اما فضای جامعه و کارزارهای گسترده ای که در حمایت از کارگران به جریان افتاده نشان میدهد که تعرض جمهوری اسلامی علیه کارگران به خشم و نفرت از این حکومت دامن زده و به پشتیبانی از کارگران و خواستهای آنها در تمام جامعه دامن زده است. در همین هفته کارگران نیشکر هفت تپه با اعتصاب اخطاری

گسترش اعتراضات کارگری برای دستیابی به حقوق ابتدایی و پایه ای خویش نظیر پرداخت به موقع دستمزدها و حق تشکل و اعتصاب حکومت اسلامی را به وحشت انداخته و تلاش دارد با این دستگیریها کارگران را در برابر تعرضات کارفرمایان و مفتخوران به سکوت بکشاند. این دستگیریها و قبل از آن دستگیری اسماعیل بخشی و علی نجاتی و سپیده قلیان تلاشی در این راستاست. در بستر این شرایط است که اتحادیه آزاد کارگران ایران که با انعکاس هر روز اخبار

بنا به خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران امروز ۹ بهمن ۹۷ جعفر عظیم زاده دبیر و پروین محمدی نایب رئیس این اتحادیه دستگیر شدند. بر طبق این خبر ساعت ۵ بعدازظهر امروز جعفر عظیم زاده توسط چهار نفر که مشخص نشده از نیروهای چه ارگانی بودند بازداشت و به مکانی نامعلومی برده شد و ساعتی بعد از آن مامورین نیروی انتظامی کلانتری ۱۱ فردیس کرج، پروین محمدی را نیز بازداشت کرده و کلیه وسائل شخصی، لپ تاپ و گوشی وی را همراه خودشان برده اند.

اتحادیه کارگران دولتی و خدمات در کانادا بازداشت دوباره اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را محکوم کرد

کارگران زندانی با حمایت از کيفرخواست اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، برای آزادی

فوری آنها و علی نجاتی که موقتا بخاطر بیماری به مرخصی آمده است، برای آزادی جعفر عظیم زاده و پروین محمدی

کارگران چون حق اعتصاب و حق ایجاد تشکل مستقلشان شده است. متن این نامه ضمیمه است. کمپین برای آزادی

اتحادیه خواستار آزادی فوری کارگران بازداشتی، پایان دادن به شکنجه کارگران برای اعتراف گیری و پایان دادن به سرکوب حقوق پایه ای

بخشی و سپیده قلیان و موج جدید سرکوب کارگران و حقوق آنها در ایران را شدیداً محکوم کرد. او در این نامه از سوی ۷۷ هزار عضو این

دنبال تماس مسعود ارژنگ عضو کمپین برای آزادی کارگران زندانی، استفانی اسمیت دبیر کل اتحادیه کارگران دولتی و خدمت در کانادا طی نامه ای سرگشاده در ۲۸ ژانویه خطاب به خامنه ای و حسن روحانی دستگیری مجدد اسماعیل

از صفحه ۱۸ دو نفر از رهبران اتحادیه آزاد کارگران ایران که امروز دهم بهمن ماه دستگیر شدند و بهنام ابراهیم زاده یکی دیگر از کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی تلاش میکنند. وسیعا به این کارزار بپیوندید.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
shahla.Daneshfar2@gmail.com

<http://free-them-now.com>
۳۰ ژانویه ۲۰۱۹، ۱۰ بهمن ۹۷ ***
از: استفان اسمیت دبیر اتحادیه کارگران دولتی و خدمات در کانادا به "خامنه ای و حسن روحانی" موضوع: بازداشت مجدد اسماعیل بخشی و سپیده قلیان

ما توسط کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now) در جریان بازداشت اسماعیل بخشی و سپیده قلیان برای دومین بار قرار گرفتیم. از طرف ۷۷۰۰۰ عضو اتحادیه کارگران دولتی و خدمات در کانادا (BCGEU)، موج جدید سرکوب کارگران و حقوق آنها در ایران را محکوم می‌کنم. ما قاطعانه از شما می‌خواهیم که بلافاصله کارگران

بازداشت شده را آزاد کنید. ما از شما می‌خواهیم که به سرکوب حقوق مشروع کارگران مانند حق اعتصاب و حق پیوستن یا ایجاد تشکل مستقل خود را که در کنوانسیون‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، خاتمه دهید. ما همبستگی و حمایت خود را با

جنبش کارگری در ایران اعلام می‌کنیم و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی در ایران هستیم.

Free Them now
با ارادت: استفانی اسمیت دبیر کل اتحادیه BCGEU

تداوم بازداشت بهنام ابراهیم زاده، فعال کارگری

بهنام ابراهیم‌زاده فعال کارگری و دفاع از حقوق کودک که در روز ۲۱ آذر ماه بازداشت شده است، همچنان در بازداشت بسر میبرد. بدنبال اعتراضات و پیگیری خانواده بهنام و کارزاری گسترده برای آزادی وی، در تاریخ ۲۹ دی ماه قرار وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی برای آزادی موقت وی صادر شده است. اما علیرغم اینکه خانواده بهنام این مبلغ را تهیه کرده اند، مقامات قضایی از قبول آن و آزادی بهنام

سرباز زده و خانواده او را سر میدوانند. بهنام ابراهیم‌زاده هم اکنون در "اندرزگاه ۴" زندان اوین. به سر می‌برد. او با اتهام امنیتی "تبلیغ علیه نظام" از سوی دادگاه انقلاب شهرستان دالاهو به هجده ماه حبس محکوم شده است. مصادیق این حکم کمک به زلزله زدگان غرب کشور و تشویق مردم به حمایت از

آنان قید شده است. بهنام ابراهیم زاده بخاطر مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگر، حقوق کودک و دفاع از انسانیت قیلا نیز در خرداد ۸۹ بازداشت و بمدت هفت سال از ایام جوانیش را در زندانهای اوین و رجایی شهر حکومت اسلامی سپری کرد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی خواستار آزادی فوری و بدون قید و

شرط بهنام ابراهیم زاده است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از نهادهای کارگری و اناساندوست در سراسر جهان انتظار دارد که با نامه های حمایتی خود ادامه بازداشت بهنام ابراهیم زاده و صدور حکم هجده سال زندان برای وی را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط وی شوند. تمامی احکام امنیتی صادر

شده برای کارگران، معلمان و مردم معترض باید لغو شوند. کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
shahla.Daneshfar2@gmail.com
<http://free-them-now.com>
۲۷ ژانویه ۲۰۱۹

استفان اسمیت دبیر کل اتحادیه کارگران دولتی و خدمات در کانادا خواستار آزادی اسماعیل بخشی و پایان دادن به خشونت علیه همه کارگران شد

روز پنجم بهمن ماه مسعود ارژنگ عضو کمپین برای آزادی کارگران زندانی در جلسه نشست مسئولین اتحادیه کارگران دولتی و خدمات در کانادا از مبارزات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه، تلاش این کارگران برای ایجاد شوراهاشان و ابعاد اجتماعی اعتراضات آنان و نقش برجسته اسماعیل بخشی رهبر محبوب این کارگران در این اعتراضات گزارش داد. او در گزارش خود همچنین شرح مختصری از ماجرای دستگیری اسماعیل بخشی، علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای

نیشکر هفت تپه و تعدادی دیگر از اعضای هیات نمایندگی شورای کارگران نیشکر هفت تپه و نیز بازداشت سپیده قلیان و غسل محمدی دو فعال دانشجویی و خبر نگاری که در جریان این مبارزات بازداشت شده بودند، به جلسه ارائه داد. مسعود ارژنگ سپس با اشاره به شکایت اسماعیل بخشی بعد از آزادی موقتش از شکنجه های درون زندان و شنود مکالمات خصوصی اش در خانه با همسرش و نیز از حمایت های وسیع اجتماعی از کیفرخواست وی علیه زندان و شکنجه، از دستگیری

وحشیانه مجدد اسماعیل بخشی و سپیده قلیان بدنبال پخش مستند کذابی "طرحهای سوخته" در صدا و سیمای جمهوری اسلامی خبر داد. مسعود ارژنگ برای حاضرین در جلسه توضیحاتی از این مستند که از "اعترافات" اسماعیل بخشی، علی نجاتی، سپیده قلیان و دیگر بازداشت شدگان در زیر شکنجه تهیه و فیلم برداری شده است، سخن گفت و خواستار محکوم کردن سرکوبگری های وحشیانه حکومت اسلامی و حمایت و پشتیبانی از اسماعیل بخشی، علی نجاتی، سپیده قلیان و

کارگران در ایران شد. بدنبال این گزارش تکانهنده شرکت کنندگان در این نشست با بنرهایی که در آن خواست آزادی اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان نقش بسته بود و با شعار کارگران زندانی را آزاد کنید، حمایت و همبستگی خود را اعلام داشتند.

در این روز همچنین استفان اسمیت دبیر کل این اتحادیه از جانب ۷۸۰۰۰ عضو این اتحادیه طی پیامی شکنجه و زندانی کردن این کارگران را شدیداً محکوم کرده و خواستار آزادی فوری

اسماعیل بخشی و پایان دادن به خشونت علیه همه کارگران شد.

اسماعیل بخشی، علی نجاتی، سپیده قلیان و همه کارگران زندانی باید فوراً بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
shahla.Daneshfar2@gmail.com
<http://free-them-now.com>
۲۵ ژانویه ۲۰۱۹، ۵ بهمن ۹۷

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

حکومت اسلامی آشکارا مستاصل است و در بحران لاعلاج دست و پا میزند. توان کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. مردم نیز نشان داده اند که تحمل این شرایط را ندارند. باید مبارزات مان را سازمان یافته و سراسری کنیم. یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در همه محلات و شهرها ایجاد شوند و اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند و نقش رهبری میدانی مردم را بعهده بگیرند. اکنون وقت سازماندهی اعتراضات شهری در سراسر کشور است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند در هر شهر و محلی که میتوانند، شوراهای سازماندهی اعتراضات را ایجاد کنند، جوانان و مردم معترض و پرشور را در این شوراها جمع کنند و با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند.

زنده باد شورای سازماندهی اعتراضات در سراسر کشور

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ تیر ۱۳۹۷، ۴ ژوئیه ۲۰۱۸

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس جدید تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 12073
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 7/8

واحدهای حزب کمونیست کارگری را در همه جا ایجاد کنید

جامعه ایران از مقطع دی ۹۶ وارد فاز تازه ای شده است. اعتصابات و تجمعات کارگری گسترش یافته، اعتراضات عمومی تعرضی تر، گسترده تر و سراسری تر شده و توازن قوای میان مردم و حکومت بشکل بازگشت ناپذیری تغییر کرده است. حکومت در بن بست کامل دست و پا میزند و در هم ریخته تر، بی افق تر، مستاصل تر و ناتوان تر از همیشه است. در چنین شرایطی توده های وسیع مردم آمادگی دارند که در اشکال مختلف سازمان یابند. سازماندهی مردم حیاتی ترین مساله کنونی جامعه است. به هر درجه جامعه سازمان یافته تر باشد، اتحاد مردم بالاتر و مسیر سرنگونی کم مشقت تر خواهد بود.

در چنین شرایط خطیر و تعیین کننده ای از تک تک اعضا و دوستداران حزب میخواهیم که بسرعت دست بکار ایجاد واحدهای حزب شوند. واحدهای حزب در هر کارخانه و اداره ای، در هر دبیرستان و دانشگاهی و در هر محله ای باید ایجاد شود. با دوستان نزدیک و قابل اعتماد خود صحبت کنید، آنها را به عضویت در حزب تشویق کنید، همراه با آنها واحدهای سه تا پنج نفره تشکیل دهید و با حزب تماسشان را فعال تر کنید. ایجاد واحدهای حزب در مراکز و محلات مختلف و در میان کارگران، معلمان، بازنشستگان، جوانان، نویسندگان و هنرمندان و غیره امکان میدهد که نقش موثری در ارتقاء آگاهی آنان، اتحاد آنان و متشکل شدن آنان ایفا کنید و با آمادگی بیشتری نه تنها در مقابل جمهوری اسلامی بلکه همچنین در مقابل جنبش های ارتجاعی و شعارها و شیوه های انحرافی که به مبارزه مردم لطمه میزند صف آرایی کنید.

بسیاری از دوستداران حزب همچنان بصورت فردی فعالیت میکنند. ما وظیفه داریم و میتوانیم بخش هر چه وسیعتری از این فعالین را در سازمان حزب در داخل کشور متشکل کنیم. این یکی از مهمترین اقداماتی است که در شرایط کنونی در مقابل اعضا و فعالین حزب قرار دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ تیر ۱۳۹۷، ۴ ژوئیه ۲۰۱۸

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید